

بررسی و تحلیل وضعیت ایلات و عشایر استان لرستان

طی سالهای 1366 تا 1387

مهناز دریکوندی¹؛ علی مرادی²

تاریخ دریافت: 1397/07/11

تاریخ پذیرش: 1400/12/09

چکیده

هدف اصلی این پژوهش بررسی و تحلیل وضعیت عشایر استان لرستان از سال 1366 تا 1387 است. پرسش بنیادین این پژوهش این است که وضعیت عشایر استان لرستان در سه دهه شصت، هفتاد و هشتاد چگونه است؟ برای پاسخ به این پرسش اصلی، سرشماری های عشایر از سال 66 تا 87 با متغیرهایی مثل سن و جنسیت عشایر، صنایع دستی، وضعیت دامداری، زراعت و باغداری، تعداد خانوار ایلها و طایفه های مستقل آن ها، و تأهل و جمعیت عشایر استان بررسی و تحلیل شد. روش مطالعه در این پژوهش، توصیفی از نوع مطالعات ثانویه است که در آن، داده ها از قبل گردآوری شده و در دسترس است. جامعه آماری این پژوهش، داده های سرشماری های عمومی عشایر استان لرستان از سال های 1366 تا 1387 است که به سبب تفصیلی بودن، پایایی و روایی لازم را دارد. یافته های پژوهش نشان می دهد که صنایع دستی عشایر لرستان در بعد تولید و فروش روندی صعودی داشته و این روند از سال 66 تا 87 قابل مشاهده است. در زمینه وضعیت دامداری در دوره بیلاقی سیر نزولی و در دوره قشلاقی سیر صعودی داشته است همچنین متغیر زراعت و باغداری از بعد مساحت زمین آبی و دیم سیر نزولی داشته و متغیر تعداد خانوار ایل و طایفه در دوره بیلاقی سیر نزولی و در دوره قشلاقی سیر صعودی دارد و متغیر وضعیت زناشویی

1- دانشجوی فارغ التحصیل کارشناسی ارشد، گروه جامعه شناسی، واحد اسلام آباد غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلام آباد

غرب، ایران

2 - دانشیار گروه جامعه شناسی، واحد اسلام آباد غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلام آباد غرب، ایران (نویسنده مسئول)

Email: moradi.pop@gmail.com

نیز در بعد دارای همسر در دو دوره بیلاقی و قشلاقی دارای بیشترین تعداد می باشد. همچنین یافته های موجود نشان می دهد که جمعیت عشایر استان طی این سه دهه سیر نزولی دارد.

کلمات کلیدی: عشایر، صنایع دستی، دامداری، زراعت و باغداری، زناشویی، جمعیت.

مقدمه

جامعه عشایری کشور دارای سابقه ای طولانی در تاریخ و فرهنگ ایران است. از دیر باز تاکنون تعدادی از مردم کشور ایران بخاطر بهره برداری از منابع طبیعی، شیوه زندگی دامداری را برگزیده اند که در آن، دامداری سنتی فعالیت عمده آنان را تشکیل می دهد. در ایران، وجود چشم انداز طبیعی از دشت ها، بیابان ها و کوههایی همچون البرز و زاگرس پوشش گیاهی متنوعی را عرضه می کند. محدودیت منابع آب و خاک و تولید محدود و فصلی همواره بخش قابل توجهی از جمعیت کشور را به دامداری سوق داده است که از بعد اقتصادی موجب افزایش درآمد ملی و صرفه جویی ارزی و اشتغال بخشی از جمعیت کشور گردیده است. کشور ایران به واسطه میانگین بارندگی 250 میلیمتر (حدود یک سوم میانگین بارندگی دنیا) جزء مناطق خشک و نیمه خشک محسوب می شود. بررسی ها نشان می - دهد که شیوه زندگی عشایری و کوچندگی یکی از قدیمی ترین روش های زندگی بشری است. ایران سرزمینی است که بیشترین جمعیت عشایر کوچنده را حفظ کرده و تمرکز عشایر عمدتاً در نیمه غربی و جنوبی کشور، به ویژه حول محور زاگرس بوده و در زاگرس میانی، استقرار عشایر بیشتر است. جمعیت عشایری ایران در ابتدای قرن پیش، قریب نیمی از نفوس کشور را در بر می گرفت. با گسترش آبادی نشینی در قرن اخیر سهم جمعیت عشایری به حدود 10 درصد در آغاز دهه چهل و به کمتر از 5 درصد در دهه کنونی رسیده است (مرکز آمار ایران، 1387). در حال حاضر نیز زندگی عشایری مبتنی بر کوچ در بخش زیادی از مناطق و استان های کشور جریان دارد؛ به طوری که بر اساس نتایج سومین سرشماری اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچنده (سال 1387)، تعداد 1186398 نفر جمعیت عشایری در قالب 212772 خانوار، 104 ایل و 552 طایفه مستقل و 19840 کوچک ترین رده ایلی در 30 استان کشور استقرار دارند. با وجود اینکه در حال حاضر جمعیت عشایر کوچنده حدود 1/7 درصد جمعیت کشور را به خود اختصاص می دهد اما عشایر با تولید حدود 20 درصد از نیازهای انواع

پروتئین حیوانی کشور، جزء مولدترین قشر از اقشار جامعه ایرانی به شمار می روند (سرشماری عشایر کوچنده، 1366).

بیان مساله

در حال حاضر زندگی کوچ نشینی در هر سه رکن اصلی (انسان، دام و مرتع) با مشکلات اساسی روبه رو است. نفوذ سرمایه داری در زندگی عشایر باعث درهم پاشیدن تشکلات سیاسی (ایل) شده و مساله مالکیت مراتع (ملی شدن مراتع) را پیش آورده و ضربه جبران نپذیری به سران ایلات وارد آورده است (امان اللهی بهاروند، 1392: 17). بررسی آمارهای جمعیتی نیز مؤید روند کاهش جمعیت عشایری ایران است. به طوری که سهم عشایر کوچنده از جمعیت کشور به 1/68 % تقلیل یافته است (ضیائی و همکاران، 1396: 33). تعداد ایلات مهم کشور 17 ایل است که عبارت اند از بختیاری، قشقایی، ایلسون (شاهسون)، مومیوند، بویراحمدسفلی، خمسه، قره داغ - ارسباران، بویراحمد علیا، بهمئی، ممسنی، کرد، طیبی، جلالی، جبال بارزی، ذلکی، بلوچ و افشار بررسی وضعیت جمعیت عشایر کشور در چند دهه گذشته نشان دهنده کاهش نسبت جمعیت عشایر کشور در مقایسه با جمعیت کل کشور است. بر اساس اطلاعات منابع تاریخی، در سال 1245 ه . ش، حدود 38/6 درصد جمعیت کشور، عشایری بوده است. بر اساس آخرین سرشماری رسمی عشایر کشور که توسط مرکز آمار ایران صورت گرفته است نسبت جمعیت عشایر کشور به کل جمعیت به 1/68 درصد کاهش پیدا کرده که این امر نشان دهنده کاهش نسبت جمعیت عشایر کشور است. تعداد جمعیت عشایر کشور از سال 1366 تا 1377 روندی رو به رشد داشته است. به عبارت دیگر، هر چند نسبت جمعیت عشایر در مقایسه با کل کشور کاهش یافته است (2/3 درصد کل کشور در سال 1366 و 2/1 درصد در سال 1377) اما تعداد جمعیت عشایری کشور از 1152000 نفر به 1304000 نفر در سال 1377 افزایش یافته است که این امر نکته ای قابل تأمل است. البته در سرشماری سال 1387 این روند مجدداً برعکس 1377 کاهش یافته است (سرشماری عشایر کوچنده، 1366).

استان لرستان یکی از استان های کشور است که به سبب وجود چشم انداز طبیعی از کوهها در دامنه زاگرس در میان استان های همدان در شمال، اراک در شمال شرق، کرمانشاه در شمال غرب،

اصفهان در شرق، چهارمحال و بختیاری در جنوب شرق، خوزستان در جنوب و ایلام در غرب واقع شده است و وجود ارتفاعات و تغییرات شدید ارتفاع سبب تنوع آب و هوای و تقسیم استان به چهار ناحیه اقلیمی بسیار سرد، سرد و مرطوب، معتدل و گرم گردیده است. این شرایط آب و هوایی در حال حاضر موجب زندگی مبتنی بر کوچ از بیلاق به قشلاق و برعکس در استان شده است. در این استان ایلات مهم عشایر از جمله بیرانوند، حسنونند، پاپی، دریکوند، سگوند، ذلکی و ممیون وجود دارند. طوایف لرستان در یک تقسیم بندی به دو بخش لر و لک تقسیم می شوند که از نظر لهجه، سنن، آداب و رسوم و برخی مسائل مذهبی با یکدیگر تفاوت دارند (ضیا توانا و توکلی، 1386: 31).

بر اساس آخرین سرشماری رسمی عشایر کشور که توسط مرکز آمار ایران صورت گرفته است تعداد جمعیت عشایر استان لرستان از سال 1366 تا 1377 روندی رو به کاهش داشته است. به عبارت دیگر، تعداد جمعیت عشایری استان از 435187 نفر در سال 1366 به 773182 نفر در سال 1377 کاهش یافته است که این امر نکته ای قابل تأمل است. البته در سرشماری سال 1387 این روند نسبت به سال 1377 به شدت کاهش یافته و به 530147 نفر رسیده است. برعکس تعداد نفرات عشایر استان لرستان تعداد دامها نسبت به سالهای قبل افزایش یافته است به طوری که تعداد رأس دام استان از 2616237 رأس دام در سال 1366 به 2627873 رأس دام در سال 1377 افزایش یافته است. همچنین تعداد رأس دامها از 2627873 رأس در سال 1377 به 2731876 رأس دام در سال 1387 رسیده است که این امر نیز نکته ای قابل توجه می باشد (سازمان امور عشایر ایران، 1395).

جامعه عشایری لرستان دارای سابقه ای طولانی در تاریخ و فرهنگ ایران دارد. از دیرباز تاکنون تعدادی از مردم کشور ما به خاطر بهره برداری از منابع طبیعی، شیوه کوچ نشینی را برگزیده اند که در آن، دامداری سنتی فعالیت عمده آنان را تشکیل می دهد. جمعیت عشایر کوچنده کشور در سال 1378، 1186398 نفر سرشماری شده است که در 212660 خانوار متمرکز شده اند. این جامعه هم اکنون با محرومیت های شدیدی مواجه است که شناخت این محدودیت ها و تنگناهای توسعه می تواند بار دیگر برنامه ریزان توسعه عشایری در امر برنامه ریزی توسعه این جامعه باشد. در اثر تحولات ملی منطقه ای و فرامنطقه ای، فروپاشی نظام ایلی، ملی شدن مراتع، توسعه شهرنشینی و ... شیوه معیشت عشایری در حال فروپاشی است (بخشنده نصرت، 1370).

اهمیت و ضرورت پژوهش

جوامع عشایری به دلیل برخورداری از فرهنگ بسیار غنی خود نقش مهمی در میان جوامع مختلف کشورمان ایفا می‌کنند. سبک زندگی عشایری و به‌کارگیری آن در صنعت گردشگری می‌تواند به بقای این جوامع کمک کرده و علاوه بر حفاظت از فرهنگ اصیل جوامع عشایری، به ایجاد معیشت پایدار و اعطاء هویت به آن اقوام کمک کند. معیشت، نه تنها شیوه‌های مختلف کسب درآمد، بلکه روابط اجتماعی و نهادها؛ حقوق مالکیت؛ مشارکت و ابعاد کیفیت زندگی که برای حفظ معاش ضروری هستند را شامل می‌شود (Rampini, 2016: 19). بنابراین شناخت جامعه عشایری بسبب اهمیت آن در فعالیت‌های دامداری کشور و لزوم برنامه ریزی در مورد آن ایجاب می‌کند که اطلاعات کافی در زمینه اجتماعی و اقتصادی این جامعه در اختیار باشد. از آنجا که در هر برنامه ریزی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... کار آماری زیربنای کار محسوب می‌شود. لذا انجام هرگونه اقدامی در برنامه ریزی عشایری استان لرستان بدون وجود اطلاعات و آمار نمی‌تواند امکان‌پذیر باشد. معرفی سبک زندگی، شناخت صنایع دستی و تولید و ایجاد فرصت‌های اشتغال پایدار، معرفی غذاهای سنتی و روش طبخ و تهیه غذا با امکانات موجود در طبیعت، سبک زندگی در چادر و سکونتگاه‌های موقت عشایری، بازی‌های سنتی، دامداری و کشاورزی، صنایع دستی و وضعیت زناشویی، کشاورزی و مراتع، زراعت و باغداری، آداب و رسوم، فرهنگ کوچ، پوشش و زبان و گویش آنها هرکدام می‌تواند برای ساکنان غیرعشایری و مخصوصاً گردشگران می‌تواند جذابیت داشته باشد و به تنوع توره‌های بازدید و تجربه زندگی عشایری کمک کند.

هدف کلی این مقاله بررسی و تحلیل وضعیت ایلات و عشایر استان لرستان طی سال 1366 الی 1387 می‌باشد. اهداف فرعی به شرح زیر می‌باشند:

- مقایسه روند وضعیت سنی و جنسی عشایر استان لرستان، در سه دهه 66 تا 87
- مقایسه روند وضعیت صنایع دستی عشایر استان لرستان، در سه دهه 66 تا 87
- مقایسه روند وضعیت تغییرات در دامداری عشایر استان لرستان، در سه دهه 66 تا 87
- مقایسه روند وضعیت زراعت و باغداری عشایر استان لرستان، در سه دهه 66 تا 87
- مقایسه روند خانوار، ایلها و طایفه‌های مستقل عشایر استان لرستان، در سه دهه 66 تا 87
- مقایسه روند وضعیت زناشویی عشایر استان لرستان، در سه دهه 66 تا 87
- مقایسه روند جمعیتی، چگونگی طوایف و ایلات و خانوار عشایر استان لرستان، در سه دهه 66 تا 87

سؤالات پژوهش

- وضعیت سنی و جنسی عشایر استان لرستان، در سه دهه 66 تا 87 چگونه است؟
- صنایع دستی استان لرستان در سه دهه 66 تا 87 دچار چه تغییراتی شده است؟
- وضعیت تغییرات در دامداری استان لرستان طی سه دهه 66 تا 87 چگونه است؟
- تغییرات وضعیت زراعت و باغداری استان لرستان طی سه دهه 66 تا 87 چگونه است؟
- وضعیت خانوار، ایلها و طایفه‌های مستقل استان لرستان، در سه دهه 66 تا 87 چگونه است؟
- تغییرات وضعیت زناشویی عشایر استان لرستان، در سه دهه 66 تا 87 چگونه است؟
- وضعیت جمعیتی، چگونگی طوایف و ایلات و خانوار در بین عشایر استان لرستان در سه دهه 66 تا 87 چگونه است؟

تعاریف و مفاهیم پژوهش

ایل: ایل شامل طایفه‌های متعددی است که به علت هم‌خونی و خویشاوندی یا دلایل اجتماعی، سیاسی و ... با یکدیگر متحد هستند و معمولاً در یک محدوده جغرافیایی که قلمرو ایل به حساب می‌آید زندگی می‌کنند طایفه‌های یک ایل معمولاً با هم خویشاوندی بنا به ضرورت‌های اجتماعی و سیاسی متحد شوند و تشکیل ایل بدهند. گویش، آداب و رسوم و شیوه زندگی طایفه‌های مختلف یک ایل در موارد بسیاری یکسان است. (مرکز آمار ایران، 1366).

طایفه: طایفه مشخص‌ترین و مهمترین چارچوب اجتماعی عشایر، طایفه است که شامل جماعتی است که غالباً با هم خویشاوندی دور و نزدیک دارند و در چند یا چندین نسل پیش به طور نسبی یا سببی به مبنای مشترکی می‌رسند و فرد عشایری در بیان وابستگی و تعلقش، غالباً از طایفه خود نام می‌برد (مرکز آمار ایران، 1366).

طایفه مستقل: در این سرشماری هر طایفه‌ای که جزو ایلی نبوده، طایفه مستقل نامیده شده است (مرکز آمار ایران، 1377).

بیلاق: محدوده زیست و قلمرو جغرافیایی که عشایر تمام یا قسمتی از تابستان را در آن بسر می‌برند بیلاق یا سردسیر می‌گویند (مرکز آمار ایران، 1377).

قشلاق: محدوده زیست و قلمرو جغرافیایی که عشایر تمام یا قسمتی از زمستان را در آن بسر می برند قشلاق یا گرمسیر می گویند (مرکز آمار ایران، 1387).

خانوار: خانوار از چند نفر تشکیل می شود که با هم در یک اقامتگاه زندگی می کنند، با یکدیگر هم خرج هستند و معمولاً با هم غذا می خورند. بنابراین لازم نیست که اعضای یک خانوار با یکدیگر رابطه خویشاوندی داشته باشند. به عبارت دیگر، خانوار لزوماً با خانواده یکی نیست. فردی که به تنهایی زندگی می کند نیز، خانوار تلقی می شود (مرکز آمار ایران، 1387).

سن: منظور از سن، تعداد سال های کاملی است که از زمان تولد فرد گذشته باشد (مرکز آمار ایران، 1366).

وضع زناشویی: افراد از نظر وضع زناشویی به چهار گروه زیر تقسیم می شوند.

دارای همسر: زنان یا مردانی که عقد ازدواج بسته اند. اعم از اینکه هنگام سرشماری با همسر خود زندگی مشترک داشته باشند یا نداشته باشند، دارای همسر محسوب می شوند (مرکز آمار ایران، 1387).

بی همسر بر اثر فوت: زنان یا مردانی که همسرشان فوت شده است و تا زمان سرشماری مجدداً ازدواج نکرده اند، بی همسر بر اثر فوت شناخته می شوند (مرکز آمار ایران، 1387).

بی همسر بر اثر طلاق: زنان یا مردانی که از همسر خود بر اثر طلاق جدا شده و تا زمان سرشماری مجدداً ازدواج نکرده اند، بی همسر بر اثر طلاق گفته می شوند (مرکز آمار ایران، 1387).

هرگز ازدواج نکرده: زنان یا مردانی که تا زمان سرشماری همسر اختیار نکرده اند، هرگز ازدواج نکرده شناخته می شوند (مرکز آمار ایران، 1387).

صنایع دستی خانوار: اگر یک یا چند عضو خانوار به طور معمول در طول سال (ببلاق یا قشلاق گذشته) مصنوعانی را در خانوار تولید کرده باشند تحت عنوان صنایع دستی خانوار محسوب شده است از جمله صنایع دستی قالی و قالیچه و گبه، گلیم و زیلو، چوقا، حصیر، کلاه و دستکش و جوراب و ... چادر و غیره می توان نام برد (مرکز آمار ایران، 1377).

جمعیت: تعداد خانوار و جمعیت هر یک از ایلات و طوایف مستقل، استان های محل استقرار ببلاقی و قشلاقی هر یک از ایلات و طوایف مستقل، معیت عشایر کل کشور بر حسب گروه های سنی،

وضع سواد، وضع فعالیت، وضع زناشویی، تعداد افراد خانوار و ... گفته می شود (مرکز آمار ایران، 1366).

دامداری: دامداری منبع اصلی درآمد عشایر لرستان است، آنان برای معیشت خود بیشتر بر دام و تولیدات آن متکی هستند از انواع دام می توان به گوسفند و بره، بز و بزغاله، گاو و گوساله، گاو میش و بچه گاو میش، شتر و بچه شتر، اسب و کره اسب و قاطر، الاغ و کره الاغ اشاره کرد (مرکز آمار ایران، 1366).

زراعت و باغداری: زراعت و باغداری در زندگی عشایر لرستان از اهمیت بسیاری برخوردار است به گونه ای که تکمیل کننده درآمد بعد از دامداری به شمار می رود از انواع زراعت و باغداری که بصورت دو نوع آبی و دیم انجام می شود به زیرکشت محصولات سالانه، آیش و باغ و قلمستان اشاره نمود (مرکز آمار ایران، 1377).

ادبیات نظری پژوهش

در زمینه سابقه تحقیق درباره جامعه عشایری ایران و به ویژه جوامع اسکان یافته در شهرها، تحقیقات زیادی توسط محققین داخلی صورت گرفته است که به برخی از آنها اشاره می گردد. پیشینه داخلی

انصاری و همکاران (1398) در مطالعه ای با عنوان اثر توسعه گردشگری عشایری بر شاخص های معیشت پایدار مرتعداران (مطالعه موردی: مناطق عشایری لار، البرز مرکزی)، نشان دادند که از دیدگاه کارشناسان، سرمایه طبیعی و اکولوژیکی با وزن نهایی (0/35) و از دیدگاه بهره برداران، سرمایه اقتصادی با وزن نهایی (0/39) بیشترین تأثیرپذیری را از توسعه گردشگری عشایر به خود اختصاص خواهند داد و سایر معیارها در رتبه های بعدی قرار دارند. نتایج بیانگر عدم همسویی دیدگاه های دو گروه کارشناسان و بهره برداران بوده که نشان می دهد، پیش از اعمال سیاست گذاری جهت توسعه بوم گردی، لازم است دیدگاه کارشناسان و بهره برداران به هم نزدیک شده و با توجه به آن مدیریت صحیح و اصولی در این بخش اعمال شود.

خاکی پور و همکاران (1397) مقاله ای تحت عنوان تحلیلی بر نقش آفرینی زنان در مدیریت مراتع عشایری (مطالعه موردی: سامان های عرفی منطقه شول آباد لرستان) مورد بررسی قرار داد این تحقیق باهدف بررسی الگوی تقسیم کار حاکم بر فعالیت های مدیریتی مراتع نزد خانواده های عشایری و نیز

بررسی نقش زنان در مدیریت مراتع در سامان‌های عرفی عشایری در منطقه شول‌آباد شهرستان الیگودرز واقع در استان لرستان انجام گردید. یافته‌های این تحقیق نشان داد الگوی تقسیم کار حاکم بر فعالیتهای این خانواده‌ها به گونه‌ای است که زنان بیشترین نقش خود را در بهره‌برداری مراتع ایفاء می‌کنند و در بخش‌های حفاظت و احیاء مراتع نقش کمتری دارند. همچنین نتایج این تحقیق نشان داد زنان عشایر همانند گذشته در زمینه تولید محصولات دامی و فرآورده‌های لبنی و نیز برداشت گیاهان دارویی و خوراکی نقش قابل توجهی داشته و سهم عمده‌ای در تولید و عرضه این محصولات دارند.

بیرانوندزاده و همکاران (1396) در مقاله‌ای به بررسی قابلیت‌های سرمایه‌گذاری در مناطق روستایی و عشایری استان لرستان مورد بررسی قرار دادند آن‌ها بیان کردند که لرستان با داشتن بیش از 5716 آبادی دارای سکنه، در زمره استان‌هایی است که برای دستیابی به توسعه روستایی و به دنبال آن توسعه شهری و توسعه پایدار نیازمند ایجاد سیستم مدیریتی نظام‌مند و قوی در روستاها است.

کرمی و دریکوندی (1395) در مقاله‌ای به عنوان بررسی اثرات اقتصادی - اجتماعی اسکان عشایر بر خانوارهای اسکان یافته در استان لرستان پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد که اسکان عشایر بر نرخ باسوادی، میزان زمین زراعی، تعداد واحد دامی، نوع شغل، سطح برخورداری از امکانات فرهنگی - اجتماعی، سطح برخورداری از امکانات بهداشتی - درمانی، سطح برخورداری از امکانات رفاهی و خدمات بیمه‌ای خانوارهای عشایر اسکان یافته تأثیر مثبت و بر وضعیت اشتغال و میزان درآمد آنها تأثیر منفی داشته است.

دهقانیان و کهنسال (1379)، نیز با انتشار مقاله‌ای با عنوان «بررسی اقتصاد تولید عشایر خراسان» نگاهی اقتصادی به تأثیرات جامعه عشایری داشتند.

بخشنده نصرت (1370)، در مقاله‌ای با عنوان «برنامه ریزی توسعه زندگی عشایر از دیدگاه فضایی» به طرح دیدگاه‌هایی درباره لزوم تداوم زندگی عشایری در کشور پرداخته و از ادامه این شیوه معیشت با ذکر دلایلی مانند استفاده بهینه از مراتع و جلوگیری از مشکلات مناطق شهری و روستایی دفاع نموده است.

کیاوند (1370)، در مقاله‌ای با عنوان «تغییر به جای کوچ، تحول به جای اسکان» به این موضوع توجه ویژه نموده است. همچنین معینی (1387)، در مقاله خود با عنوان «مطالعه روند شکل‌گیری مسکن در تازه آبادهای عشایری» به مشکلات اسکان و الگوهای مسکن عشایر اسکان یافته

پرداخته است. اصغر عسگری خانگه و محمد شریف کمالی (1374)، در کتاب «ایرانیان ترکمن» در منطقه مورد مطالعه نیز تحقیقات ارزشمندی با دیدگاه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صورت گرفته است که می‌توان به عنوان نمونه به این کتاب اشاره نمود. کمالی (1366)، مقاله ای با عنوان «ترکمنهای ایرانی» که در مجموعه مقالات مردم شناسی و کتاب «نگرشی جغرافیایی به بندر ترکمن» از آنامرادنژاد اشاره نمود.

پیشینه خارجی

تا کوا¹ (2011) در مطالعه ای تحت عنوان بی تحرکی عشایر تبتی در چین: اجرای پروژه اسکان عشایر در منطقه آمد و تبتی در استان های چینگهای و سیچوان؛ عناصر اصلی این پژوهش را با توجه به اسناد دولتی، مصاحبه با افراد مسئول و اجرای آن در مناطقی از شهرستان های ماقین و زکو در استان چینگهای و شهرستان هونگ یوان در استان سیچوان تشریح می کند. نتایج حاصل نشان می دهد مشارکت عشایر در برنامه های دولتی داوطلبانه است، با این حال در برخی از نقاط مانند زکو یا شهرستان هونگ یوان، مقامات اجرایی به عشایر تصریح کردند که امتناع از مشارکت منجر به انکار هرگونه کمک دولتی در آینده می شود و عشایر معمولاً برای جلوگیری از مشکلات احتمالی با دولت محلی، حتی آن شرایط کمتر سودمند را که در قرارداد اسکان یا اسکان مجدد گنجانده شده بود، می پذیرفتند.

موسلین و فوجین² (2008) در بررسی مسائل سلامت جسمی افراد و کوچ در بین عشایر نیمه کوچرو در مغولستان، بیان می کنند که کوچ عشایر منجر به افزایش خطرپذیری و ضعف در سلامتی افراد می گردد و عامل کوچ بیشترین تأثیر منفی را بر روی سلامتی زنان دارد.

آنامرادنژاد و لطفی³ (2010)، در یک بررسی مفصل به تحولات 40 ساله در جامعه عشایری ایران پرداخته با نگاهی جمعیت شناسانه به این نتیجه رسیده اند که جامعه عشایری ایران به دلایلی مانند اجرای سیاست اسکان عشایر در دوره رضاشاه، اجرای طرح ملی کردن مراتع، گسترش زمین های کشاورزی در مراتع، ادامه تحصیل فرزندان عشایر و راحت طلبی برخی از خانواده ها، در حال حذف

¹ Ptackova

² Mocellin and Foggin

³ Annamoradnejad & Lotfi

شدن از عرصه زندگی اقتصادی و اجتماعی ایران می‌باشد. آن گونه که از عرصه زندگی سیاسی و نظامی ایران سال‌هاست که بیرون رفته اند.

مروری بر مبانی نظری

در مورد کوچندگی در ایران نظرات متفاوتی مطرح شده است، که در بین این نظرات دو نظریه مخالف هم بیش از نظرات دیگر مطرح است. یکی اینکه از دیرباز یعنی قبل از اسلام و حتی قبل از تاریخ، نظام کوچندگی در کشور ما وجود داشته است. این گروه فراهم بودن امکانات طبیعی این شیوه از زندگی را دلیل و توجیه عملی این نظریه می‌دانند که خطه زاگرس به عنوان عینی‌ترین و مناسب‌ترین شواهد و مصادیق این نظر، مثال زده می‌شود.

نظریه دیگر این است که کوچندگی و نظام معیشت شبانی در ساختار قبیله‌ای خود پس از سلطه اقوام کوچنده جنوب غرب (اعراب) و شمال شرق (ترکان، مغولان و نظیر این‌ها) و به دنبال آنها به ویژه پس از حمله ویرانگر مغول در کشور تثبیت و رواج مستمر یافته است. گرچه ممکن است به استثنای برخی اشارات تاریخی و استعداد طبیعی منطقه نوعی از معیشت مبتنی بر دامداری و مراتع طبیعی که خواه‌ناخواه نوعی از کوچ را به همراه خود داشته در منطقه زاگرس و استان لرستان وجود داشته است، ولی به دلایلی تا پس از حمله مغول ساختار و نظام عشایر کوچنده به شکلی که تا نیم‌قرن گذشته وجود داشته است و هم‌اکنون نیز بقایای آن وجود دارد، در کشور و به ویژه لرستان مرسوم نبوده است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان لرستان، 1384: 5).

راولینسون¹ نظر خود را چنین ابراز می‌دارد که فاصله میان بالا رود و دزفول شش فرسنگ است که از صحرای بی‌آب و کشت و کار صحرای لور می‌گذرد. ولی با توجه به وجود نهرها و جوی‌های قدیمی که به نقاط مختلف کشیده شده حاکی از آن است که زمانی صحرای لور آبادی و رونق داشته است در نزدیکی اندیمشک کنونی تپه‌ها و خرابه‌هایی وجود دارد که باید صحرای لور که بنا به معتقدات جغرافیدانان معاصر پایتخت لرستان در همین محل بوده باید اما آنچه مسلم است صحرای لور نام خود را از این شهر گرفته است (امان‌اللهی بهاروند، 1392: 29).

به نظر مینورسکی شاید علل نسبت دادن لرها به این محل را مربوط به خاطره شهر لور باشد، که جغرافیدانان عرب در مورد آن صحبت کرده‌اند و امروز نام صحرای لور (واقع در شمال دزفول) هنوز

¹ Rawlinson

زنده است، چند محل دیگر نیز یافت می‌شود که نام آنها متشابه با لور می‌باشد از آن جمله است لیر محلی واقع در ناحیه جندی‌شاپور لیراوی واقع در کهگیلویه و بالاخره در سیمره محلی است بنام لورت یا لرت (مینورسکی¹، 1392: 22)

به‌طور کلی نظرات مربوط به وجه تسمیه لرها را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد: اول، اینکه برخی لرها را از نسل شخصی بنام لر می‌داند. دوم، واژه لر را مشتق از کلمات ایرانی چون لهراسب و غیره گرفته‌اند. و بالاخره سوم، اینکه لرها نسبت مکانی دارند که آن‌هم به چند قسم است. 1- لر محلی بوده در ولایت مانرود یا مایرود که جایگاه تبار لرها بوده است 2- واژه لر مخفف لور می‌باشد که آن‌هم نام شهری در شمال غربی دزفول یعنی حوالی اندیمشک بوده است 3- برخی نیز کلمه لر را تحریف شده واژه لیر یا لر یعنی کوه‌های پوشیده از جنگل تعبیر کرده‌اند (امان‌اللهی بهاروند، 1392: 19).

روش تحقیق

پژوهش حاضر، به بررسی و تحلیل وضعیت عشایر استان لرستان طی سال 1366 الی 1387 می‌پردازد. این تحقیق به لحاظ هدف اجرا از نوع، کاربردی و بصورت توصیفی تحلیلی است. این تحقیق از نظر زمان اجرا تحقیقی طولی است؛ چرا که هر چند بازه زمانی خاصی را در نظر می‌گیرد اما تغییری در وضعیت مطالعه شوندگان ایجاد نشده و اطلاعات از قبل جمع‌آوری و موجود بوده است و هرچند در فرایند مطالعه تغییری در جامعه مورد مطالعه برای پژوهشگر ایجاد نشد، اما سیر مطالعاتی جامعه عشایری در بازه زمانی سه دهه تغییراتی را نشان می‌دهد که بررسی و تحلیل می‌شود. روش تحقیق از جهت نحوه اجرا، توصیفی بدان جهت که متغیرها توسط محقق دستکاری نمی‌شوند و وضعیت موجود آنها شناسایی می‌شود، می‌باشد.

جامعه آماری شامل کل عشایر استان لرستان می‌باشد و با استفاده از سرشماری و تمام سرشماری به مطالعه و بررسی و تحلیل وضعیت عشایر استان لرستان طی سال 1366 الی 1387 پرداخته می‌شود. تعداد جمعیت عشایر استان در سال 1366 برابر 109135 نفر و برای سال 1377 این تعداد به 106606 نفر کاهش پیده کرده است و پژوهش به دنبال این روند کاهشی در جامعه آماری و عشایر استان است. پژوهش حاضر سعی دارد با بررسی و تحلیل سرشماری سال‌های 1366 تا 1387 عشایر

¹ Vladimir Minursky

استان لرستان پرداخته و روند مقایسه ای بین این سه دهه را در هفت متغیر وضعیت سن و جنسیت، وضعیت صنایع دستی، وضعیت دامداری، وضعیت زراعت و باغداری، تعداد خانوار ایلها و طایفه های مستقل استان، وضعیت زناشویی و جمعیت عشایر استان لرستان انجام دهد. گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه ای صورت گرفته و ابزارهای به کار گرفته شده شامل مشاهده و مستندسازی با استفاده از منابع مطالعاتی می باشد. این تحقیق تحلیلی بر اساس پژوهش کتابخانه ای می باشد و سعی می نماید که روند تاریخی و تغییرات در مدیریت جامعه عشایری را به طور کلی در استان لرستان با استفاده از منابع مطالعاتی موجود و قابل دسترس بررسی نماید و مزیت ها و چالش های این جامعه در گذشته و حال را تحلیل نماید و به نحوی به سؤال های تحقیق پاسخ دهد. در تحقیق حاضر از داده های سرشماری از مرکز آمار ایران استفاده شده است.

یافته های پژوهش

یافته های پژوهش حاضر، از سرشماری های عمومی و رسمی عشایری طی سال های 1366 تا 1387 اخذ شده است و سعی بر آن بوده که داده ها و آماری در این جا استفاده گردد که در سؤالات پژوهش مطرح شده و مورد نیاز این مطالعه می باشد. به این ترتیب که هر کدام از متغیرهای مورد مطالعه را طی سه دهه فوق بررسی، توصیف و مقایسه می شوند.

سؤال اول - سن و جنسیت عشایر لرستان طی سال های 66، 77 و 87

الف - مقایسه وضعیت سنی دوره بیبلاقی

همانطور که در جدول شماره 1 ملاحظه می شود، در سال 1366 گروه سنی 0 تا 10 سال با تعداد 47119 نفر که از این تعداد 24458 نفر مرد و 22661 نفر زن هستند بیشترین تعداد گروه های سنی در این سال را دارند. (به عبارتی دیگر 43/16 درصد دارای سن 0 تا 10 سال می باشند) و گروه سنی 65 سال سن به بالا با تعداد 2700 نفر که از این تعداد 1718 نفر مرد و 982 نفر زن هستند کمترین تعداد گروه سنی در این سال می باشند. (به عبارتی دیگر 2/42 درصد دارای سن 65 سال به بالا می باشند). در سال 1377 گروه سنی 11 تا 24 سال با تعداد 37997 نفر که از این تعداد 20814 نفر مرد و 17183 نفر زن هستند. بیشترین تعداد گروه های سنی در این سال را دارند. (به عبارتی دیگر 35/64 درصد دارای سن 11 تا 24 سال می باشند) و گروه سنی 65 سال سن به بالا با تعداد 3253

نفر که 2225 نفر مرد و 1028 نفر زن هستند که کمترین ترین تعداد گروه سنی در این سال می باشند. (به عبارت دیگر 3/05 درصد دارای سن 65 سال به بالا می باشند). در سال 1387 گروه سنی 11 تا 24 سال با تعداد 35018 نفر که از این تعداد 18982 نفر مرد و 16036 نفر زن هستند. بیشترین تعداد گروه سنی در این سال را دارند. (به عبارتی دیگر 41/82 درصد دارای سن 11 تا 24 سال می باشند) و گروه سنی 65 سال به بالا با تعداد 3194 نفر که 2210 نفر مرد و 984 نفر زن هستند که کمترین ترین تعداد گروه سنی در این سال می باشند. (به عبارت دیگر 3/81 درصد دارای سن 65 سال به بالا می باشند).

طبق جدول شماره 1 در سال 1366 تعداد نفرات 109135 نفر و در سال 1377 تعداد نفرات 106606 نفر بوده است که نشان دهنده ی کاهش 2529 نفری معادل 0/23 درصد کاهش داشته است. همچنین تعداد نفرات مرد در سال 1366 به 1377 تعداد 1370 نفر تعداد نفرات مرد کاهش یافته است و در خصوص تعداد نفرات زن در سال 1366 به سال 1377 تعداد 1159 نفر تعداد نفرات زن کاهش یافته است. همچنین در سال 1377 تعداد نفرات 106606 نفر بوده که در سال 1387 تعداد نفرات 83739 نفر بوده که کاهش 22867 نفری معادل 0/21 درصد تعداد نفرات کاهش داشته اند که تعداد مرد ها 12309 نفر کاهش داشته است و تعداد زن ها 10558 نفر کاهش داشته است.

جدول شماره 1: عشایر دوره بیلابی به تفکیک سن و جنسیت طی سالهای 66، 77 و 87

سال	گروه های عمده سنی	تعداد	مرد	زن	درصد	نسبت جنسی
1366	0 تا 10	47119	24458	22661	43/16	323/678
	11 تا 24	28344	15683	12661	25/96	255/45
	25 تا 64	30955	16151	14804	28/36	109/09
	65 به بالا	2700	1718	982	2/42	174/94
	نامشخص	17	15	2	0/01	---
مجموع		109135	58025	51110		
1377	0 تا 10	36224	18824	17400	33/97	323/92
	11 تا 24	37997	20814	17183	35/64	238/51
	25 تا 64	28154	14308	13846	26/41	103/34
	65 به بالا	3253	2225	1028	3/05	216/44
	نامشخص	978	484	494	0/92	97/98

		49951	56655	106606		مجموع
20/8204	20/38	8150	8918	17068	0 تا 10	1387
356/79	41/82	16036	18982	35018	11 تا 24	
810/24	33/98	14223	14236	28459	25 تا 64	
224/59	3/81	984	2210	3194	65 به بالا	
		39393	44346	83739		مجموع

(سرشماری اجتماعی، اقتصادی عشایر کوچنده استان لرستان سال های 66، 77 و 87)

ب- مقایسه وضعیت سنی دوره قشلاقی

همانطور که در جدول شماره 2 ملاحظه می شود، در سال 1366 گروه سنی 0 تا 10 سال با تعداد 33550 نفر که از این تعداد 17348 نفر مرد و 16200 نفر زن هستند بیشترین تعداد گروه های سنی در این سال را دارند. (به عبارتی دیگر 50/57 درصد دارای سن 0 تا 10 سال می باشند) و گروه سنی 65 سال سن به بالا با تعداد 1942 نفر که از این تعداد 1241 نفر مرد و 701 نفر زن هستند کمترین ترین تعداد گروه سنی در این سال می باشند. (به عبارتی دیگر 2/28 درصد دارای سن 65 سال به بالا می باشند). در سال 1377 گروه سنی 11 تا 24 سال با تعداد 27072 نفر که از این تعداد 14822 نفر مرد و 12250 نفر زن هستند. بیشترین تعداد گروه های سنی در این سال را دارند. (به عبارتی دیگر 35/55 درصد دارای سن 11 تا 24 سال می باشند) و گروه سنی 65 سال سن به بالا با تعداد 2359 نفر که 1603 نفر مرد و 756 نفر زن هستند که کمترین ترین تعداد گروه سنی در این سال می باشند. (به عبارت دیگر 3/10 درصد دارای سن 65 سال به بالا می باشند).

در سال 1387 گروه سنی 11 تا 24 سال با تعداد 26438 نفر که از این تعداد 14152 نفر مرد و 12286 نفر زن هستند. بیشترین تعداد گروه سنی در این سال را دارند. (به عبارتی دیگر 41/44 درصد دارای سن 11 تا 24 سال می باشند) و گروه سنی 65 سال به بالا با تعداد 2473 نفر که 1691 نفر مرد و 782 نفر زن هستند که کمترین ترین تعداد گروه سنی در این سال می باشند. (به عبارت دیگر 3/88 درصد دارای سن 65 سال به بالا می باشند).

طبق جدول شماره 2 در سال 1366 تعداد نفرت 78149 نفر و در سال 1377 تعداد نفرت 76167 نفر بوده است که نشان دهنده ی کاهش 1982 نفری معادل 0/25 درصد کاهش داشته است. همچنین تعداد نفرت مرد در سال 1366 به 1377 تعداد 1126 نفر تعداد نفرت مرد کاهش یافته است و در

خصوص تعداد نفرات زن در سال 1366 به سال 1377 تعداد 1004 نفر تعداد نفرات زن کاهش یافته است. همچنین در سال 1377 تعداد نفرات 76167 نفر بوده که در سال 1387 تعداد نفرات 63891 نفر بوده که کاهش 12276 نفری معادل 0/16 درصد تعداد نفرات کاهش داشته اند که تعداد مرد ها 9570 نفر کاهش داشته است و تعداد زن ها 5506 نفر کاهش داشته است.

جدول شماره 2: عشایر دوره قشلاقی به تفکیک سن و جنسیت طی سالهای 66، 77 و 87

سال	گروه های عمده سنی	تعداد	مرد	زن	درصد	نسبت جنسی
1366	0 تا 10	33550	17348	16200	50/57	319/59
	11 تا 24	20425	11251	9224	26/14	250/83
	25 تا 64	22219	11632	10687	28/50	108/84
	65 به بالا	1942	1241	701	2/28	177/03
	نامشخص	13	11	2	0/01	---
مجموع		78149	41483	36814		
1377	0 تا 10	25850	13374	12476	33/94	322/54
	11 تا 24	27072	14822	12250	35/55	238/45
	25 تا 64	20203	10220	9983	26/52	102/37
	65 به بالا	2359	1603	756	3/10	212/04
	نامشخص	683	338	345	0/90	97/97
مجموع		76167	40357	35810		
1387	0 تا 10	13137	6831	6306	20/6	216/83
	11 تا 24	26438	14152	12286	41/44	347/1
	25 تا 64	21843	8113	10930	34/09	692/59
	65 به بالا	2473	1691	782	3/88	216/24
مجموع		63891	30787	30304		

سؤال دوم - استفاده از صنایع دستی طی سال های 66، 77 و 87

الف - تحلیل صنایع دستی در دوره بیلابقی در هر یک از سه سال 66، 77 و 87

همانطور که در جدول شماره 3 ملاحظه می شود، در سال 1366 کل مقدار تولید صنایع دستی دوره بیلابقی برابر با 32233 است که از گروه صنایع دستی، چادر با 13777 عدد بیشترین مقدار تولید را داراست یعنی چیزی حدود 0/43 درصد از تولیدات صنایع دستی دوره بیلابقی را شامل می شود همچنین کلاه و دستکش و جوراب نیز با تعداد 222 عدد کمترین مقدار تولید را دارا می باشد یعنی چیزی حدود 0/007 درصد از تولیدات صنایع دستی دوره بیلابقی را شامل می شود. همچنین در سال 1366 کل مقدار فروش صنایع دستی دوره بیلابقی برابر با 250 است که از گروه صنایع دستی قالی، قالیچه، گبه با فروشی به میزان 61 عدد بیشترین مقدار فروش را داراست یعنی حدود 0/244 درصد از فروش صنایع دستی دوره بیلابقی را شامل می شود. کمترین مقدار فروش نیز گبه می باشد که با فروش 4 عدد و چیزی حدود 0/16 درصد کمترین مقدار فروش را به خود اختصاص داده است. در بحث مصرف خانوار در سال 1366 مصرف کل خانوار برابر با 31983 می باشد که از این مقدار چادر با 13722 بیشترین تعداد مصرفی خانوار در دوره بیلابقی را داراست یعنی چیزی حدود 0/43 درصد از مصرف خانوار را شامل می شود و همچنین کلاه، دستکش و جوراب با تعداد 204 کمترین تعداد مصرفی یعنی چیزی حدود 0/006 درصد از مصرف خانوار را در بین عشایر دوره بیلابقی را شامل می شود.

در سال 1377 کل مقدار تولید صنایع دستی دوره بیلابقی برابر با 30260 است که از گروه صنایع دستی، چادر با 11335 عدد بیشترین مقدار تولید را داراست یعنی چیزی حدود 0/37 درصد از تولیدات صنایع دستی دوره بیلابقی را شامل می شود همچنین چوقا نیز با تعداد 371 عدد کمترین مقدار تولید را دارا می باشد یعنی چیزی حدود 0/012 درصد از تولیدات صنایع دستی دوره بیلابقی را شامل می شود. همچنین در سال 1377 کل مقدار فروش صنایع دستی دوره بیلابقی برابر با 72 است که از گروه صنایع دستی قالی، قالیچه، گبه با فروشی به میزان 20 عدد بیشترین مقدار فروش را داراست یعنی حدود 0/28 درصد از فروش صنایع دستی دوره بیلابقی را شامل می شود. کمترین مقدار فروش نیز کلاه، دستکش و جوراب می باشد که با فروش 2 عدد و چیزی حدود 0/028 درصد کمترین مقدار

فروش را به خود اختصاص داده است. در بحث مصرف خانوار در سال 1377 مصرف کل خانوار برابر با 30188 می باشد که از این مقدار چادر با 11320 بیشترین تعداد مصرفی خانوار در دوره بیلاقی را داراست یعنی چیزی حدود 0/37 درصد از مصرف خانوار را شامل می شود و همچنین چوقا با تعداد 366 کمترین تعداد مصرفی یعنی چیزی حدود 0/012 درصد از مصرف خانوار را در بین عشایر دوره بیلاقی را شامل می شود.

در سال 1387 کل مقدار تولید صنایع دستی دوره بیلاقی برابر با 80262 است که از گروه صنایع دستی، چادر با 48243 عدد بیشترین مقدار تولید را داراست یعنی چیزی حدود 0/60 درصد از تولیدات صنایع دستی دوره بیلاقی را شامل می شود همچنین چوقا نیز با تعداد 247 عدد کمترین مقدار تولید را دارا می باشد یعنی چیزی حدود 0/0003 درصد از تولیدات صنایع دستی دوره بیلاقی را شامل می شود. همچنین در سال 1387 کل مقدار فروش صنایع دستی دوره بیلاقی برابر با 1410 است که از گروه صنایع دستی جاجیم و حصیر و خورجین با فروشی به میزان 533 عدد بیشترین مقدار فروش را داراست یعنی حدود 0/38 درصد از فروش صنایع دستی دوره بیلاقی را شامل می شود. کمترین مقدار فروش نیز چوقا می باشد که با فروش 4 عدد و چیزی حدود 0/002 درصد کمترین مقدار فروش را به خود اختصاص داده است. در بحث مصرف خانوار در سال 1387 مصرف کل خانوار برابر با 78852 می باشد که از این مقدار چادر با 47752 بیشترین تعداد مصرفی خانوار در دوره بیلاقی را داراست یعنی چیزی حدود 0/60 درصد از مصرف خانوار را شامل می شود و همچنین چوقا با تعداد 243 کمترین تعداد مصرفی یعنی چیزی حدود 0/003 درصد از مصرف خانوار را در بین عشایر دوره بیلاقی را شامل می شود.

همانطور که از جدول شماره 3 پیداست مقدار کل خانوار در سال 1366 برابر با 17186 می باشد که در سال 1377 این مقدار به 15933 رسیده است این موضوع نشان دهنده کاهش 1253 خانوار بوده است یعنی چیزی حدود 0/07 درصد کاهش یافته است. همچنین مقدار کل خانوار در سال 1387 برابر با 14638 می باشد که نسبت به سال 1377 کاهش برابر با 1295 داشته است یعنی چیزی حدود 0/08 درصد کاهش داشته است. همچنین مقدار تولید صنایع دستی در سال 1366 طبق جدول شماره 3 برابر با 32233 بوده است که در مقابل با مقدار تولید در سال 1377 که برابر با 30260 بوده کاهش 1973 یعنی حدود 0/06 درصد داشته است. مقدار تولید سال 1377 در مقایسه با تولید سال 1387 نیز رشد چشم گیری برابر با 50002 داشته است یعنی حدودا مقدار تولید از سال 77 تا سال 87 برابر با

1/65 درصد شده است. در بحث مصرف خانوار نیز در سال 66 مصرف کل خانوار برابر با 31983 بوده است که در مقایسه با سال 77 که مقدار مصرف خانوار برابر با 30188 بوده کاهش 1795 داشته است یعنی حدودا 0/06 درصد کاهش در مصرف خانوار داشته است. در مقایسه بین سال 77 که مصرف خانوار برابر با 30188 بوده است که در سال 87 مصرف خانوار رشد چشم گیری با تعداد 77852 بوده است که نشان دهنده افزایش 48664 داشته یعنی حدودا 1/16 درصد رشد داشته است.

جدول شماره 3: عشایر دوره بیلاقی به تفکیک استفاده از صنایع دستی طی سالهای 66، 77 و 87

سال	صنایع دستی	تعداد کل خانوار	مقدار تولید	مقدار فروش	برای مصرف خانوار
1366	قالی و قالیچه و گبه	17186	6060	61	5999
	گلیم و زیلو		4582	50	4532
	چوقا		263	4	259
	حصیر		1598	13	1585
	کلاه و دستکش و جوراب و ...		222	18	204
	چادر		13777	55	13722
	سایر		5731	49	5682
	مجموع			32233	250
1377	قالی و قالیچه و گبه	15933	4963	20	4943
	گلیم و زیلو و جاجیم و خرجین		5239	18	5221
	چوقا		371	5	366
	حصیر		5998	4	5994
	کلاه و دستکش و جوراب و ...		595	2	593

11320	15	11335		چادر	
1751	8	1759		سایر	
30188	72	30260			مجموع
5274	278	5552	14638	قالی و قالیچه و گبه	1387
1914	70	1984		گلیم و زیلو	
243	4	247		چوقا	
22782	533	23315		جاجیم و حصیر و خورجین	
887	34	921		کلاه و دستکش و جوراب و ...	
47752	491	48243		چادر	
---	---	---		سایر	
78852	1410	80262			مجموع

(سرشماری اجتماعی، اقتصادی عشایر کوچنده استان لرستان سالهای 66، 77 و 87)

ب- تحلیل صنایع دستی در دوره قشلاقی در هر یک از سه سال 66، 77 و 87

همانطور که در جدول شماره 4 ملاحظه می شود، در سال 1366 کل مقدار تولید صنایع دستی دوره قشلاقی برابر با 21476 است که از گروه صنایع دستی، چادر با 9880 عدد بیشترین مقدار تولید را داراست یعنی چیزی حدود 0/46 درصد از تولیدات صنایع دستی دوره قشلاقی را شامل می شود همچنین چوقا نیز با تعداد 98 عدد کمترین مقدار تولید را دارا می باشد یعنی چیزی حدودا 0/004 درصد از تولیدات صنایع دستی دوره قشلاقی را شامل می شود. همچنین در سال 1366 کل مقدار فروش صنایع دستی دوره قشلاقی برابر با 182 است که از گروه صنایع دستی قالی، قالیچه، گبه با فروشی به میزان 47 عدد بیشترین مقدار فروش را داراست یعنی حدود 0/26 درصد از فروش صنایع دستی دوره قشلاقی را شامل می شود. کمترین مقدار فروش نیز چوقا می باشد که با فروش 1 عدد و چیزی حدود 0/005 درصد کمترین مقدار فروش را به خود اختصاص داده است. در بحث مصرف خانوار در سال 1366 مصرف کل خانوار برابر با 21294 می باشد که از این مقدار چادر با 9835 بیشترین تعداد مصرفی خانوار در دوره قشلاقی را داراست یعنی چیزی حدود 0/46 درصد از مصرف

خانوار را شامل می شود و همچنین چوقا با تعداد 97 کمترین تعداد مصرفی یعنی چیزی حدود 0/004 درصد از مصرف خانوار را در بین عشایر دوره قشلاقی را شامل می شود.

در سال 1377 کل مقدار تولید صنایع دستی دوره قشلاقی برابر با 19871 است که از گروه صنایع دستی، چادر با 7694 عدد بیشترین مقدار تولید را داراست یعنی چیزی حدود 0/38 درصد از تولیدات صنایع دستی دوره قشلاقی را شامل می شود همچنین کلاه، دستکش و جوراب نیز با تعداد 2 عدد کمترین مقدار تولید را دارا می باشد یعنی چیزی حدود 0/04 درصد از تولیدات صنایع دستی دوره قشلاقی را شامل می شود. همچنین در سال 1377 کل مقدار فروش صنایع دستی دوره قشلاقی برابر با 55 است که از گروه صنایع دستی گلیم و زیلو و جاجیم و خرچین با فروشی به میزان 16 عدد بیشترین مقدار فروش را داراست یعنی حدود 0/29 درصد از فروش صنایع دستی دوره قشلاقی را شامل می شود. کمترین مقدار فروش نیز کلاه، دستکش و جوراب می باشد که با فروش 2 عدد و چیزی حدود 0/04 درصد کمترین مقدار فروش را به خود اختصاص داده است. در بحث مصرف خانوار در سال 1377 مصرف کل خانوار برابر با 19816 می باشد که از این مقدار چادر با 7684 بیشترین تعداد مصرفی خانوار در دوره قشلاقی را داراست یعنی چیزی حدود 0/39 درصد از مصرف خانوار را شامل می شود و همچنین چوقا با تعداد 164 کمترین تعداد مصرفی یعنی چیزی حدود 0/001 درصد از مصرف خانوار را در بین عشایر دوره قشلاقی را شامل می شود.

در سال 1387 کل مقدار تولید صنایع دستی دوره قشلاقی برابر با 58439 است که از گروه صنایع دستی، چادر با 33784 عدد بیشترین مقدار تولید را داراست یعنی چیزی حدود 0/58 درصد از تولیدات صنایع دستی دوره قشلاقی را شامل می شود همچنین چوقا نیز با تعداد 60 عدد کمترین مقدار تولید را دارا می باشد یعنی چیزی حدود 0/001 درصد از تولیدات صنایع دستی دوره قشلاقی را شامل می شود. همچنین در سال 1387 کل مقدار فروش صنایع دستی دوره قشلاقی برابر با 1266 است که از گروه صنایع دستی چادر با فروشی به میزان 491 عدد بیشترین مقدار فروش را داراست یعنی حدود 0/39 درصد از فروش صنایع دستی دوره قشلاقی را شامل می شود. کمترین مقدار فروش نیز چوقا می باشد که با فروش 4 عدد و چیزی حدود 0/003 درصد کمترین مقدار فروش را به خود اختصاص داده است. در بحث مصرف خانوار در سال 1387 مصرف کل خانوار برابر با 57173 می باشد که از این مقدار چادر با 33293 بیشترین تعداد مصرفی خانوار در دوره قشلاقی را داراست یعنی چیزی حدود

0/58 درصد از مصرف خانوار را شامل می شود و همچنین چوقا با تعداد 56 کمترین تعداد مصرفی یعنی چیزی حدود 0/0009 درصد از مصرف خانوار را در بین عشایر دوره قشلاقی را شامل می شود. همانطور که از جدول شماره 4 پیداست مقدار کل خانوار در سال 1366 برابر با 12461 می باشد که در سال 1377 این مقدار به 11351 رسیده است این موضوع نشان دهنده کاهش 1110 خانوار بوده است یعنی چیزی حدود 0/09 درصد کاهش یافته است. همچنین مقدار کل خانوار در سال 1387 برابر با 11200 می باشد که نسبت به سال 1377 کاهش برابر با 151 داشته است یعنی چیزی حدود 0/01 درصد کاهش داشته است. همچنین مقدار تولید صنایع دستی در سال 1366 طبق جدول شماره 4 برابر با 21476 بوده است که در مقابل با مقدار تولید در سال 1377 که برابر با 19871 بوده کاهش 1605 یعنی حدود 0/07 درصد داشته است. مقدار تولید سال 1377 در مقایسه با تولید سال 1387 نیز رشد چشم گیری برابر با 38568 داشته است یعنی حدودا مقدار تولید از سال 77 تا سال 87 برابر با 1/94 درصد شده است. در بحث مصرف خانوار نیز در سال 66 مصرف کل خانوار برابر با 21294 بوده است که در مقایسه با سال 77 که مقدار مصرف خانوار برابر با 19816 بوده کاهش 1478 داشته است یعنی حدودا 0/07 درصد کاهش در مصرف خانوار داشته است. در مقایسه بین سال 77 که مصرف خانوار برابر با 19816 بوده است که در سال 87 مصرف خانوار رشد چشم گیری با تعداد 57173 بوده است که نشان دهنده افزایش 37357 داشته یعنی حدودا 1/88 درصد رشد داشته است.

جدول شماره 4: عشایر دوره قشلاقی به تفکیک استفاده از صنایع دستی طی سالهای 66، 77 و 87

سال	صنایع دستی	تعداد کل خانوار	مقدار تولید	مقدار فروش	برای مصرف خانوار
1366	قالی و قالیچه و گبه	12461	3555	47	3508
	گلیم و زیلو		2093	28	2065
	چوقا		98	1	97
	حصیر		1035	10	1025
	کلاه و دستکش و جوراب و ...		149	7	142
	چادر		9880	45	9835
	سایر		4666	44	4622
مجموع			21476	182	21294

بررسی و تحلیل وضعیت ایلات و عشایر استان لرستان طی سال 1366 الی 1387 / 99

2800	12	2812	11351	قالی و قالیچه و گبه	1377
3349	16	3365		گلیم و زیلو و جاجیم و خرجین	
164	5	169		چوقا	
4097	3	4100		حصیر	
296	2	298		کلاه و دستکش و جوراب و ...	
7684	10	7694		چادر	
1426	7	1433		سایر	
19816	55	19871		مجموع	
2266	217	2483	11200	قالی و قالیچه و گبه	1387
1485	68	1553		گلیم و زیلو	
56	4	60		چوقا	
19858	461	20319		جاجیم و حصیر و خورجین	
215	25	240		کلاه و دستکش و جوراب و ...	
33293	491	33784		چادر	
---	---	---	سایر		
57173	1266	58439		مجموع	

(سرشماری اجتماعی، اقتصادی عشایر کوچنده استان لرستان سالهای 66، 77 و 87)

سؤال سوم - دامداری طی سال های 66، 77 و 87

همانطور که در جدول شماره 5 ملاحظه می شود، در سال 1366 کل مقدار دام ها در دوره بیلاقی برابر با 1659877 است که از گروه دامی، گوسفند و بره با 845329 راس بیشترین مقدار را داراست یعنی چیزی حدود 0/51 درصد از دام های دوره بیلاقی را شامل می شود همچنین شتر و بچه شتر نیز با تعداد 26 راس کمترین مقدار را دارا می باشد یعنی چیزی حدودا 0/001 درصد از دام های دوره بیلاقی را شامل می شود. همچنین در سال 1366 کل مقدار دام ها در دوره قشقای برابر با 966360 است که از گروه دامی، گوسفند و بره با 502313 راس دارای بیشترین تعداد است یعنی چیزی حدود

0/52 درصد از دام های دوره قشقای را شامل می شود همچنین شتر و بچه شتر نیز با تعداد 11 راس کمترین مقدار را دارا می باشد یعنی چیزی حدود 0/001 درصد از دام های دوره قشقای را شامل می شود.

در سال 1377 کل مقدار دام ها در دوره بیلاقی برابر با 1559524 است که از گروه دامی، گوسفند و بره با 910773 راس بیشترین مقدار را داراست یعنی چیزی حدود 0/58 درصد از دام های دوره بیلاقی را شامل می شود همچنین شتر و بچه شتر نیز با تعداد 8 راس کمترین مقدار را دارا می باشد یعنی چیزی حدود 0/0005 درصد از دام های دوره بیلاقی را شامل می شود. همچنین در سال 1377 کل مقدار دام ها در دوره قشقای برابر با 1044349 است که از گروه دامی، گوسفند و بره با 622258 راس دارای بیشترین تعداد است یعنی چیزی حدود 0/59 درصد از دام های دوره قشقای را شامل می شود همچنین شتر و بچه شتر نیز با تعداد 4 راس کمترین مقدار را دارا می باشد یعنی چیزی حدود 0/0003 درصد از دام های دوره قشقای را شامل می شود. در سال 1387 کل مقدار دام ها در دوره بیلاقی برابر با 1552444 است که از گروه دامی، گوسفند و بره با 860125 راس بیشترین مقدار را داراست یعنی چیزی حدود 0/55 درصد از دام های دوره بیلاقی را شامل می شود همچنین گاو میش و بچه گاو میش نیز با تعداد 82 راس کمترین مقدار را دارا می باشد یعنی چیزی حدود 0/0005 درصد از دام های دوره بیلاقی را شامل می شود. همچنین در سال 1387 کل مقدار دام ها در دوره قشقای برابر با 1179432 است که از گروه دامی، گوسفند و بره با 700902 راس دارای بیشترین تعداد است یعنی چیزی حدود 0/59 درصد از دام های دوره قشقای را شامل می شود همچنین گاو میش و بچه گاو میش نیز با تعداد 19 راس کمترین مقدار را دارا می باشد یعنی چیزی حدود 0/002 درصد از دام های دوره قشقای را شامل می شود.

در بحث مقایسه تعداد دام ها در دوره بیلاقی که در سال 66 برابر با 1659877 است با تعداد دام های سال 77 که تعداد 1559524 می باشد تعداد 100353 راس دام کاهش یافته است یعنی حدود 0/06 درصد کاهش یافته است. همچنین نسبت تعداد دام از سال 77 که برابر با 1559524 راس تا سال 87 که برابر با 1552444 راس می باشد نیز تعداد 7080 راس دام کاهش یافته است که به عبارتی حدود 0/004 درصد از دام های دوره بیلاقی کاهش یافته است. همچنین تعداد دام ها در دوره قشقای که در سال 66 برابر با 966360 است یا تعداد دام های سال 77 که تعداد 1044349 می باشد تعداد 77989 راس دام افزایش یافته است یعنی حدود 0/08 درصد افزایش یافته است.

بررسی و تحلیل وضعیت ایلات و عشایر استان لرستان طی سال 1366 الی 1387 / 101

همچنین نسبت تعداد دام از سال 77 که برابر با 1044349 راس تا سال 87 که برابر با 1179432 راس می باشد نیز تعداد 135083 راس دام افزایش یافته است که به عبارتی حدود 0/13 درصد از دام های دوره قشلاقی افزایش یافته است.

جدول شماره 5: عشایر دوره بییلاقی و قشلاقی به تفکیک دامداری طی سالهای 66، 77 و 87

سال	دام	بییلاقی	قشلاقی
1366	گوسفند و بره	845329	502313
	بز و بزغاله	745270	421449
	گاو و گوساله	35389	22912
	گاو میش و بچه گاو میش	238	202
	شتر و بچه شتر	26	11
	اسب و کره اسب	2828	1637
	قاطر، الاغ و کره الاغ	30797	17836
	مجموع	1659877	966360
1377	گوسفند و بره	910773	622258
	بز و بزغاله	621602	382374
	گاو و گوساله	2275	22710
	گاو میش و بچه گاو میش	335	192
	شتر و بچه شتر	8	4
	اسب و کره اسب	2200	1573
	قاطر، الاغ و کره الاغ	22331	15238
	مجموع	1559524	1044349

700902	860125	گوسفند و بره	1387
437296	642562	بز و بزغاله	
24809	28791	گاو و گوساله	
19	82	گاو میش و بچه گاو میش	
150	224	شتر و بچه شتر	
2035	2612	اسب و کره اسب	
14221	18048	قاطر، الاغ و کره الاغ	
1179432	1552444	مجموع	

(سرشماری اجتماعی، اقتصادی عشایر کوچنده استان لرستان سالهای 66، 77 و 87)

سؤال چهارم - زراعت و باغداری طی سال های 66، 77 و 87

همانطور که در جدول شماره 6 ملاحظه می شود، در سال 1366 کل مساحت اراضی برابر با 58767 متر مربع است که از گروه زراعت و باغداری، زیر کشت محصولات سالانه از نوع بهره برداری دیم با 29425 مترمربع بیشترین مقدار را داراست یعنی چیزی حدود 0/50 درصد از زراعت و باغداری را شامل می شود همچنین باغ و قلمستان از نوع بهره برداری دیم نیز با 57 متر مربع کمترین مقدار را دارا می باشد یعنی چیزی حدودا 0/09 درصد از زراعت و باغداری را شامل می شود.

در سال 1377 کل مساحت اراضی برابر با 47464 متر مربع است که از گروه زراعت و باغداری، زیر کشت محصولات سالانه از نوع بهره برداری دیم با 30870 متر مربع بیشترین مقدار را داراست یعنی چیزی حدود 0/65 درصد از زراعت و باغداری را شامل می شود همچنین باغ و قلمستان از نوع بهره برداری دیم نیز با 33 متر مربع کمترین مقدار را دارا می باشد یعنی چیزی حدودا 0/06 درصد از زراعت و باغداری را شامل می شود. در سال 1387 کل مساحت اراضی برابر با 85766 متر مربع است که از گروه زراعت و باغداری، زیر کشت محصولات سالانه از نوع بهره برداری دیم با 62901 متر مربع بیشترین مقدار را داراست یعنی چیزی حدود 0/73 درصد از زراعت و باغداری را شامل می شود همچنین باغ و قلمستان از نوع بهره برداری دیم نیز با 138 متر مربع کمترین مقدار را دارا می باشد یعنی چیزی حدودا 0/001 درصد از زراعت و باغداری را شامل می شود. در بحث مقایسه مساحت کل اراضی که در سال 66 برابر با 58767 متر مربع است با مساحت کل اراضی در سال 77 که برابر با 47464 متر مربع می باشد مساحتی برابر با 11303 متر مربع کاهش یافته است یعنی حدود 0/19

بررسی و تحلیل وضعیت ایلات و عشایر استان لرستان طی سال 1366 الی 1387 / 103

درصد مساحت اراضی کاهش یافته است. همچنین نسبت مساحت کل اراضی در سال 77 که برابر با 47464 متر مربع است تا سال 87 که برابر با 85766 متر مربع می باشد نیز مساحتی برابر با 38302 متر مربع افزایش یافته است که به عبارتی حدود 0/80 درصد از مساحت اراضی کاهش یافته است.

جدول 6: مساحت اراضی بهره برداری‌های عشایر به تفکیک نوع استفاده از زمین طی سالهای 66 و 77 و 87

مساحت اراضی	نوع زمین	سال	
7361	آبی	زیرکشت محصولات سالانه	1366
29425	دیم		
2805	آبی	آیش	
18926	دیم		
193	آبی	باغ و قلمستان	
57	دیم		
58767			مجموع
10571	آبی	زیرکشت محصولات سالانه	1377
30870	دیم		
737	آبی	آیش	
4983	دیم		
270	آبی	باغ و قلمستان	
33	دیم		
47464			مجموع
11344	آبی	زیرکشت محصولات سالانه	1387
62901	دیم		

1024	آبی	آیش	مجموع
8471	دیم		
1888	آبی	باغ و قلمستان	
138	دیم		
85766			

(سرشماری اجتماعی، اقتصادی عشایر کوچنده استان لرستان سالهای 66، 77 و 87)

سؤال پنجم - تعداد خانوار ایلها و طایفه های مستقل استان طی سال های 66، 77 و 87

همانطور که در جدول شماره 7 ملاحظه می شود، در سال 1366 تعداد کل خانوار ایلها و طایفه های استان در دوره بییلاقی برابر با 17176 است که از گروه خانوار ایلها و طایفه های مستقل استان، ایل ممیوند با 6767 خانوار بیشترین مقدار را داراست یعنی چیزی حدود 0/39 درصد از خانوار ایلها و طایفه های مستقل استان در دوره بییلاقی را شامل می شود همچنین طایفه مستقل دالوند نیز با تعداد 9 خانوار ایلها و طایفه های مستقل استان کمترین مقدار را دارا می باشد یعنی چیزی حدودا 0/05 درصد از خانوار ایلها و طایفه های مستقل استان در دوره بییلاقی را شامل می شود. همچنین در سال 1366 تعداد کل خانوار ایلها و طایفه های مستقل استان در دوره قشقایی برابر با 12461 است که از گروه خانوار ایلها و طایفه های مستقل استان، ایل ممیوند با 3961 خانوار بیشترین مقدار را داراست یعنی چیزی حدود 0/32 درصد از خانوار ایلها و طایفه های مستقل استان، در دوره قشقایی را شامل می شود همچنین طایفه مستقل سادات اهوقلندر نیز با تعداد 3 خانوار ایلها و طایفه های مستقل استان، کمترین مقدار را دارا می باشد یعنی چیزی حدود 0/0002 درصد از خانوار ایلها و طایفه های مستقل استان در دوره قشلاقی را شامل می شود.

در سال 1377 تعداد کل خانوار ایلها و طایفه های استان در دوره بییلاقی برابر با 15923 است که از گروه خانوار ایلها و طایفه های مستقل استان، ایل ممیوند با 6069 خانوار بیشترین مقدار را داراست یعنی چیزی حدود 0/38 درصد از خانوار ایلها و طایفه های مستقل استان در دوره بییلاقی را شامل می شود همچنین طایفه مستقل دالوند نیز با تعداد 1 خانوار ایلها و طایفه های مستقل استان کمترین مقدار را دارا می باشد یعنی چیزی حدودا 0/000006 درصد از خانوار ایلها و طایفه های مستقل استان

دوره بیلاقی را شامل می شود. همچنین در سال 1387 تعداد کل خانوار ایلها و طایفه های مستقل استان در دوره قشقای برابری با 16771 است که از گروه خانوار ایلها و طایفه های مستقل استان، ایل پای با 4040 خانوار بیشترین مقدار را داراست یعنی چیزی حدود 2/42 درصد از خانوار ایلها و طایفه های مستقل استان، در دوره قشقای را شامل می شود همچنین طایفه مستقل سادات اهوقلندر نیز با تعداد 4 خانوار ایلها و طایفه های مستقل استان، کمترین مقدار را دارا می باشد یعنی چیزی حدود 0/0002 درصد از خانوار ایلها و طایفه های مستقل استان در دوره قشقای را شامل می شود.

در سال 1387 تعداد کل خانوار ایلها و طایفه های استان در دوره بیلاقی برابری با 14601 است که از گروه خانوار ایلها و طایفه های مستقل استان، ایل ممیوند با 4184 خانوار بیشترین مقدار را داراست یعنی چیزی حدود 0/29 درصد از خانوار ایلها و طایفه های مستقل استان در دوره بیلاقی را شامل می شود همچنین طایفه مستقل بیرانوند و طایفه مستقل سادات فدال عمران نیز با تعداد 3 خانوار ایلها و طایفه های مستقل استان کمترین مقدار را دارا می باشد یعنی چیزی حدود 0/0002 درصد از خانوار ایلها و طایفه های مستقل استان در دوره بیلاقی را شامل می شود. همچنین در سال 1387 تعداد کل خانوار ایلها و طایفه های مستقل استان در دوره قشقای برابری با 11460 است که از گروه خانوار ایلها و طایفه های مستقل استان، ایل ممیوند با 2213 خانوار بیشترین مقدار را داراست یعنی چیزی حدود 0/19 درصد از خانوار ایلها و طایفه های مستقل استان، در دوره قشقای را شامل می شود همچنین طایفه مستقل سادات اهوقلندر نیز با تعداد 10 خانوار ایلها و طایفه های مستقل استان، کمترین مقدار را دارا می باشد یعنی چیزی حدود 0/0008 درصد از خانوار ایلها و طایفه های مستقل استان در دوره قشقای را شامل می شود.

در بحث مقایسه تعداد خانوار ایلها و طایفه های مستقل استان در دوره بیلاقی که در سال 66 برابر با 17176 است با تعداد خانوار ایلها و طایفه های مستقل استان سال 77 که تعداد 15923 می باشد تعداد 1264 خانوار ایلها و طایفه های مستقل استان کاهش یافته است یعنی حدود 0/07 درصد کاهش یافته است. همچنین نسبت تعداد خانوار ایلها و طایفه های مستقل استان از سال 77 که برابر با 15923 خانوار تا سال 87 که برابر با 14601 خانوار می باشد نیز تعداد 1322 خانوار کاهش یافته است که به عبارتی حدود 0/08 درصد از تعداد خانوار ایلها و طایفه های مستقل استان دوره بیلاقی کاهش یافته است. همچنین تعداد خانوار ایلها و طایفه های مستقل استان، در دوره قشقای که در سال 66 برابر با 12461 است یا تعداد خانوارهای سال 77 که تعداد 16771 می باشد

تعداد 4310 خانوار افزایش یافته است یعنی حدود 0/34 درصد افزایش یافته است. همچنین نسبت تعداد خانوار از سال 77 که برابر با 16771 خانوار تا سال 87 که برابر با 11460 خانوار می باشد نیز تعداد 5311 خانوار کاهش یافته است که به عبارتی حدود 0/32 درصد از خانوارهای دوره قشلاقی کاهش یافته است.

جدول 7: تعداد خانوار ایلها و طایفه‌های مستقل استان به تفکیک نوع استفاده از زمین طی سالهای 66، 77 و 87

دوره قشلاقی بر حسب سال			دوره بیلاقی بر حسب سال			ایل یا طایفه مستقل
1387	1377	1366	1387	1377	1366	
1002	627	736	1002	627	736	ایل امرایی سوری طرحان
0	0	0	69	45	104	ایل بختیاری
167	149	114	948	859	834	ایل بیرانوند
519	4040	669	849	823	1170	ایل پاپی
661	2040	189	0	0	0	ایل ترک
57	29	35	0	0	0	ایل ترکاشوند
156	157	235	161	157	235	ایل جودکی
1076	795	850	1121	845	822	ایل حسنوند
822	727	741	1148	1193	1127	ایل دریکوند
473	375	303	456	375	303	ایل دلفان - کوهدشت
282	351	233	282	351	223	ایل دلفان - چگنی
1088	1140	1192	1144	1196	1238	ایل دلفان - نورآباد
1186	1488	1796	1269	1570	1910	ایل ذلکی
329	176	111	0	0	0	ایل زوله
25	0	0	179	189	214	ایل سگوند
2213	3288	3961	4184	6069	6767	ایل ممیوند

بررسی و تحلیل وضعیت ایلات و عشایر استان لرستان طی سال 1366 الی 1387 / 107

22	13	9	22	13	9	طایفه مستقل امیر
15	215	68	173	215	68	طایفه مستقل باباعلی
0	0	0	3	9	0	طایفه مستقل بیرانوند
0	0	0	5	1	6	طایفه مستقل دالوند
10	4	3	169	174	187	طایفه مستقل سادات اهوکلندر
218	141	103	218	141	103	طایفه مستقل سادات ضرونی
69	69	104	69	69	104	طایفه مستقل سادات کرالاتی
0	0	0	3	3	0	طایفه مستقل سادات فدال عمران
246	317	456	246	317	456	طایفه مستقل شاهبوند
28	64	76	28	64	76	طایفه مستقل شیخان داودخانی
133	130	125	133	120	125	طایفه مستقل شیراوند
12	7	34	12	7	34	طایفه مستقل طولابی
0	0	0	0	37	0	طایفه مستقل غیاثوند
73	90	66	86	61	69	طایفه مستقل کاند رحمت
0	0	103	0	0	107	طایفه مستقل کولیوند
425	163	0	464	217	0	طایفه مستقل کولیوند-لرستان
153	176	149	158	176	149	طایفه مستقل یوسفوند
11460	16771	12461	14601	15923	17176	مجموع

(سرشماری اجتماعی، اقتصادی عشایر کوچنده کوچنده استان لرستان سالهای 66، 77 و 87)

سؤال ششم - وضعیت زناشویی طی سال های 66، 77 و 87

همانطور که در جدول شماره 8 ملاحظه می شود، در سال 1366 از گروه وضعیت زناشویی در دوره بیلاقی، دارای همسر با 56/97 درصد بیشترین مقدار را داراست که از این تعداد 51/45 درصد مردان و 63/51 درصد زنان را در دوره بیلاقی تشکیل می دهد. همچنین بی همسر بر اثر فوت همسر یا طلاق نیز با 3/00 درصد کمترین مقدار را در دوره بیلاقی دارا می باشد که از این مقدار 0/41 درصد مردان و 6/06 درصد زنان را تشکیل می دهد. در سال 1366 و در دوره قشلاقی نیز دارای همسر با 56/59 درصد بیشترین مقدار را داراست که از این تعداد 51/41 درصد مردان و 62/69 درصد زنان را

در دوره قشلاقی تشکیل می دهد. همچنین بی همسر بر اثر فوت همسر یا طلاق نیز با 3/02 درصد کمترین مقدار را در دوره قشلاقی دارا می باشد که از این مقدار 0/45 درصد مردان و 6/06 درصد زنان را تشکیل می دهد.

در سال 1377 از گروه وضعیت زناشویی در دوره بیلاقی، هرگز ازدواج نکرده با 51/38 درصد بیشترین مقدار را داراست که از این تعداد 56/79 درصد مردان و 45/10 درصد زنان را در دوره بیلاقی تشکیل می دهد. همچنین بی همسر بر اثر فوت همسر یا طلاق نیز با 2/54 درصد کمترین مقدار را در دوره بیلاقی دارا می باشد که از این مقدار 0/053 درصد مردان و 4/87 درصد زنان را تشکیل می دهد. در سال 1377 و در دوره قشلاقی نیز هرگز ازدواج نکرده با 51/42 درصد بیشترین مقدار را داراست که از این تعداد 56/62 درصد مردان و 45/45 درصد زنان را در دوره قشلاقی تشکیل می دهد. همچنین بی همسر بر اثر فوت همسر یا طلاق نیز با 2/59 درصد کمترین مقدار را در دوره قشلاقی دارا می باشد که از این مقدار 0/56 درصد مردان و 4/93 درصد زنان را تشکیل می دهد.

در سال 1387 از گروه وضعیت زناشویی در دوره بیلاقی، هرگز ازدواج نکرده با 51/71 درصد بیشترین مقدار را داراست که از این تعداد 56/37 درصد مردان و 46/43 درصد زنان را در دوره بیلاقی تشکیل می دهد. همچنین بی همسر بر اثر فوت همسر یا طلاق نیز با 2/18 درصد کمترین مقدار را در دوره بیلاقی دارا می باشد که از این مقدار 0/54 درصد مردان و 4/24 درصد زنان را تشکیل می دهد. در سال 1377 و در دوره قشلاقی نیز هرگز ازدواج نکرده با 51/19 درصد بیشترین مقدار را داراست که از این تعداد 55/54 درصد مردان و 46/35 درصد زنان را در دوره قشلاقی تشکیل می دهد. همچنین بی همسر بر اثر فوت همسر یا طلاق نیز با 2/46 درصد کمترین مقدار را در دوره قشلاقی دارا می باشد که از این مقدار 0/63 درصد مردان و 4/5 درصد زنان را تشکیل می دهد.

در بحث مقایسه بیشترین وضعیت زناشویی در سال 1366 که مربوط به دارای همسر می باشد در دوره بیلاقی برابر با 56/97 درصد است و بیشترین وضعیت زناشویی در دوره قشلاقی مربوط به دارای همسر می باشد که برابر با 56/59 درصد می باشد که نشان دهنده کاهش 0/23 درصد می باشد به طوری که تعداد مردان در دوره بیلاقی از تعداد 51/45 درصد به 51/41 درصد یعنی به میزان 0/04 درصد کاهش و تعداد زنان از 63/51 درصد به 62/69 درصد کاهش یافت به این معنی که به میزان 0/82 درصد در دوره قشلاقی کاهش یافته است. همچنین کمترین وضعیت زناشویی در سال 1366 که مربوط به بی همسر بر اثر فوت همسر یا طلاق می باشد، در دوره بیلاقی برابر با

3/00 درصد است و کمترین وضعیت زناشویی در دوره قشلاقی مربوط به بی همسر بر اثر فوت همسر یا طلاق می باشد که برابر با 3/02 درصد می باشد که نشان دهنده افزایش 0/02 درصد می باشد به طوری که تعداد مردان در دوره بیلاقی از تعداد 0/41 درصد به 0/45 درصد یعنی به میزان 0/04 درصد افزایش و تعداد زنان از 6/06 درصد به 6/06 درصد ثابت می باشد به این معنی که تعداد زن ها از دوره بیلاقی به قشلاقی ثابت و بدون تغییر می باشد. بیشترین وضعیت زناشویی در سال 1377 مربوط به هرگز ازدواج نکرده می باشد در دوره بیلاقی برابر با 51/31 درصد است و بیشترین وضعیت زناشویی در دوره قشلاقی مربوط به هرگز ازدواج نکرده می باشد که برابر با 51/42 درصد می باشد که نشان دهنده افزایش 0/04 درصد می باشد به طوری که تعداد مردان در دوره بیلاقی از تعداد 56/79 درصد به 56/62 درصد یعنی به میزان 0/17 درصد کاهش و تعداد زنان از 45/10 درصد به 45/45 درصد افزایش یافت به این معنی که به میزان 0/35 درصد در دوره قشلاقی افزایش یافته است. همچنین کمترین وضعیت زناشویی در سال 1377 که مربوط به بی همسر بر اثر فوت همسر یا طلاق می باشد، در دوره بیلاقی برابر با 2/54 درصد است و کمترین وضعیت زناشویی در دوره قشلاقی مربوط به بی همسر بر اثر فوت همسر یا طلاق می باشد که برابر با 2/59 درصد می باشد که نشان دهنده افزایش 0/05 درصد می باشد به طوری که تعداد مردان در دوره بیلاقی از تعداد 0/53 درصد به 0/56 درصد یعنی به میزان 0/03 درصد افزایش و تعداد زنان از 4/87 درصد به 4/93 درصد یعنی به میزان 0/06 درصد افزایش یافته است.

بیشترین وضعیت زناشویی در سال 1387 مربوط به هرگز ازدواج نکرده می باشد در دوره بیلاقی برابر با 51/71 درصد است و بیشترین وضعیت زناشویی در دوره قشلاقی مربوط به هرگز ازدواج نکرده می باشد که برابر با 51/19 درصد می باشد که نشان دهنده کاهش 0/52 درصد می باشد به طوری که تعداد مردان در دوره بیلاقی از تعداد 56/37 درصد به 55/54 درصد یعنی به میزان 0/83 درصد کاهش و تعداد زنان از 46/43 درصد به 46/35 درصد کاهش یافت به این معنی که به میزان 0/08 درصد در دوره قشلاقی کاهش یافته است. همچنین کمترین وضعیت زناشویی در سال 1387 که مربوط به بی همسر بر اثر فوت همسر یا طلاق می باشد، در دوره بیلاقی برابر با 2/18 درصد است و کمترین وضعیت زناشویی در دوره قشلاقی مربوط به بی همسر بر اثر فوت همسر یا طلاق می باشد که برابر با 2/46 درصد می باشد که نشان دهنده افزایش 0/28 درصد می باشد به طوری که تعداد

مردان در دوره بیبلاقی از تعداد 0/54 درصد به 0/63 درصد یعنی به میزان 0/09 درصد افزایش و تعداد زنان از 4/24 درصد به 4/50 درصد یعنی به میزان 0/26 درصد افزایش یافته است.

جدول شماره 8: عشایر دوره بیبلاقی و قشلاقی به تفکیک زناشویی طی سالهای 66، 77 و 87

سال	وضعیت زناشویی	دوره بیبلاقی			دوره قشلاقی		
		مرد وزن	مرد	زن	مرد وزن	مرد	زن
1366	دارای همسر	56/97	51/45	63/51	56/59	51/41	62/69
	بی همسر بر اثر فوت همسر یا طلاق	3/00	0/41	6/06	3/02	0/45	6/06
	هرگز ازدواج نکرده	37/85	45/24	29/10	38/12	45/16	29/84
	اظهار نشده	2/18	2/90	1/32	2/26	2/98	1/41
1377	دارای همسر	45/70	42/26	49/57	45/61	42/53	49/15
	بی همسر بر اثر فوت همسر یا طلاق	2/54	0/53	4/87	2/59	0/56	4/93
	هرگز ازدواج نکرده	51/38	56/79	45/10	51/42	56/62	45/45
	اظهار نشده	0/39	0/32	0/47	0/38	0/30	0/47
1387	دارای همسر	45/70	42/79	49/00	46/00	43/50	48/78
	بی همسر بر اثر فوت همسر یا طلاق	2/18	0/54	4/24	2/46	0/63	4/50
	هرگز ازدواج نکرده	51/71	56/37	46/43	51/19	55/54	46/35
	اظهار نشده	0/31	0/30	0/33	0/35	0/33	0/37

(سرشماری اجتماعی، اقتصادی عشایر کوچنده کوچنده استان لرستان سالهای 66، 77 و 87)

سؤال هفتم - تعداد خانوارها، طایفه‌ها، ایله‌ها و جمعیت استان طی سال‌های 66، 77 و 87

همانطور که در جدول شماره 9 ملاحظه می شود، در سال 1366 از گروه وضعیت خانوارها، طایفه‌ها، ایلها و جمعیت استان در دوره بیلاقی، تعداد ایل ها 13 مورد می باشند که در دوره قشلاقی به 14 ایل رسیده است یعنی یک ایل افزایش یافته است به عبارتی افزایش 0/076 درصدی داشته است. تعداد طایف های مستقل در دوره بیلاقی 13 طایفه است که در دوره قشلاقی به 12 طایفه رسیده است یعنی کاهش یک طایفه در این سال اتفاق افتاده است به عبارتی کاهش 0/076 درصدی داشته است. همچنین تعداد خانوار در دوره بیلاقی برابر با 17186 خانوار می باشد که در مقایسه با دوره قشلاقی تعداد خانوار برابر با 12461 می باشد که این نشان دهنده کاهش 4725 عددی تعداد خانوار در این سال می باشد به عبارتی کاهش 0/27 درصد داشته است. در بحث جمعیت نیز در دوره بیلاقی جمعیت عشایر استان 109136 نفر می باشد که در مقایسه با دوره قشلاقی که جمعیتی برابر با 78299 داشته کاهش 30837 نفری در جمعیت داشته است به عبارتی کاهش 0/28 درصد داشته است.

در سال 1377 از گروه وضعیت خانوارها، طایفه‌ها، ایلها و جمعیت استان در دوره بیلاقی، تعداد ایل ها 13 مورد می باشند که در دوره قشلاقی به 14 ایل رسیده است یعنی یک ایل افزایش یافته است به عبارتی افزایش 0/076 درصد داشته است. تعداد طایف های مستقل در دوره بیلاقی 16 طایفه است که در دوره قشلاقی به 12 طایفه رسیده است یعنی کاهش 4 طایفه در این سال اتفاق افتاده است به عبارتی کاهش 0/25 درصد داشته است. همچنین تعداد خانوار در دوره بیلاقی برابر با 15933 خانوار می باشد که در مقایسه با دوره قشلاقی تعداد خانوار برابر با 11351 می باشد که این نشان دهنده کاهش 4582 عددی تعداد خانوار در این سال می باشد به عبارتی کاهش 0/29 درصد داشته است. در بحث جمعیت نیز در دوره بیلاقی جمعیت عشایر استان 106606 نفر می باشد که در مقایسه با دوره قشلاقی که جمعیتی برابر با 76167 داشته کاهش 30439 نفری در جمعیت داشته است به عبارتی کاهش 0/28 درصد داشته است. در سال 1387 از گروه وضعیت خانوارها، طایفه‌ها، ایلها و جمعیت استان در دوره بیلاقی، تعداد ایل ها 13 مورد می باشند که در دوره قشلاقی به 14 ایل رسیده است یعنی یک ایل افزایش یافته است به عبارتی افزایش 0/076 درصد داشته است. تعداد طایف های مستقل در دوره بیلاقی 15 طایفه است که در دوره قشلاقی به 12 طایفه رسیده است یعنی کاهش 3 طایفه در این سال اتفاق افتاده است به عبارتی کاهش 0/2 درصد داشته است. همچنین تعداد خانوار در دوره بیلاقی برابر با 14638 خانوار می باشد که در مقایسه با دوره قشلاقی تعداد خانوار برابر با

11200 می باشد که این نشان دهنده کاهش 3438 عددی تعداد خانوار در این سال می باشد به عبارتی کاهش 0/23 درصد داشته است. در بحث جمعیت نیز در دوره بیلاقی جمعیت عشایر استان 83739 نفر می باشد که در مقایسه با دوره قشلاقی که جمعیتی برابر با 63791 داشته کاهش 19948 نفری در جمعیت داشته است به عبارتی کاهش 0/24 درصد داشته است.

در بحث مقایسه خانوارها، طایفه‌ها، ایلها و جمعیت استان در سال 1366 و 1377 و 1387 تعداد ایلها تغییر پیدا نکرده اند و ثابت می باشند همچنین در بحث طایفه‌ها نیز تعداد طایفه‌ها در سال 1366 و در دوره بیلاقی برابر با 13 و در سال 1387 و در دوره بیلاقی برابر با 16 طایفه شده است یعنی افزایش 3 طایفه‌ای بنابراین تعداد طایفه‌ها در سال 66 تا 77 افزایش 0/23 درصد در دوره بیلاقی داشته است اما در دوره قشلاقی ثابت می باشد. همچنین تعداد طایفه‌ها در دوره بیلاقی از سال 77 که 16 طایفه است تا سال 87 که 15 طایفه است کاهش یک طایفه‌ای داشته است بنابراین تعداد طایفه‌ها از سال 77 تا 87 کاهش 0/06 درصد داشته است اما در دوره قشلاقی ثابت می باشد. در مقایسه تعداد خانوارها در سال 66 و در دوره بیلاقی که برابر با 17186 است تا سال 77 که برابر با 15933 شده است یعنی کاهش 1253 خانوار داشته است به عبارتی تعداد خانوار در دوره بیلاقی از سال 66 تا سال 77 کاهش 0/07 درصد داشته است. تعداد خانوار در سال 77 که برابر با 15933 خانوار تا سال 87 که برابر با 14638 خانوار شده است یعنی کاهش 1295 خانوار داشته است به عبارتی تعداد خانوار در دوره بیلاقی از سال 77 تا 87 کاهش 0/08 درصد داشته است. همچنین در مقایسه تعداد خانوارها در سال 66 و در دوره قشلاقی که برابر با 12461 است تا سال 77 که برابر با 11351 شده است یعنی کاهش 1110 خانوار داشته است به عبارتی تعداد خانوار در دوره قشلاقی از سال 66 تا سال 77 کاهش 0/09 درصد داشته است. تعداد خانوار در سال 77 که برابر با 11351 خانوار تا سال 87 که برابر با 11200 خانوار شده است یعنی افزایش 151 خانوار داشته است به عبارتی تعداد خانوار در دوره قشلاقی از سال 77 تا 87 افزایش 0/01 درصد داشته است. در مقایسه تعداد جمعیت در سال 66 و در دوره بیلاقی که برابر با 109136 است تا سال 77 که برابر با 106606 شده است یعنی کاهش 2530 جمعیت داشته است به عبارتی تعداد جمعیت در دوره بیلاقی از سال 66 تا سال 77 کاهش 0/02 درصد داشته است. تعداد جمعیت در سال 77 که برابر با 106606 جمعیت تا سال 87 که برابر با 83739 نفری شده است یعنی کاهش 22867 جمعیت داشته است به عبارتی تعداد جمعیت در دوره بیلاقی از سال 77 تا 87 کاهش 0/21 درصد داشته است. همچنین در

بررسی و تحلیل وضعیت ایلات و عشایر استان لرستان طی سال 1366 الی 1387 / 113

مقایسه تعداد جمعیت در سال 66 و در دوره قشلاقی که برابر با 78299 است تا سال 77 که برابر با 76167 شده است یعنی کاهش 2132 جمعیت داشته است به عبارتی تعداد جمعیت در دوره قشلاقی از سال 66 تا سال 77 کاهش 0/03 درصد داشته است. تعداد جمعیت در سال 77 که برابر با 76167 جمعیت تا سال 87 که برابر با 63791 نفر شده است یعنی کاهش 12376 نفری داشته است به عبارتی تعداد جمعیت در دوره قشلاقی از سال 77 تا 87 کاهش 0/16 درصد داشته است.

جدول 9: عشایر دوره بیلاقی و قشلاقی به تفکیک تعداد خانوارها، طایفه‌ها، ایله‌ها و جمعیت استان طی سالهای 66، 77 و 87

سال	وضعیت تعداد خانوارها، طایفه‌ها، ایله‌ها و جمعیت استان	دوره بیلاقی	دوره قشلاقی
1366	تعداد ایله‌ها	13	14
	تعداد طایفه‌های مستقل	13	12
	تعداد خانوارها	17186	12461
	جمعیت	109136	78299
1377	تعداد ایله‌ها	13	14
	تعداد طایفه‌های مستقل	16	12
	تعداد خانوارها	15933	11351
	جمعیت	106606	76167
1387	تعداد ایله‌ها	13	14
	تعداد طایفه‌های مستقل	15	12
	تعداد خانوارها	14638	11200
	جمعیت	83739	63791

(سرشماری اجتماعی، اقتصادی عشایر کوچنده کوچنده استان لرستان سالهای 66، 77 و 87)

بحث و نتیجه گیری

نتیجه گیری سوال اول تحقیق

طبق جدول شماره 1 که نشان دهنده سن و جنسیت در دوره بیلاقی می باشد نشان می دهد در سال 1366 تعداد مرد و زن که برابر با 109135 نفر می باشد که از این تعداد 58025 نفر دارای جنسیت مذکر و 51110 نفر دارای جنسیت مونث هستند که این آمار در مقایسه با سال 1377 نشان می دهد تعداد مرد و زن که برابر با 106606 نفر است کاهش 2529 نفری داشته است که از این بین تعداد جنسیت مذکر از سال 66 که برابر با 58025 بوده است در سال 77 که برابر با 56655 شده که این موضوع نشان می دهد جنسیت مذکر کاهش 1370 نفری داشته و جنسیت مونث نیز در سال 66 که برابر با 51110 بوده در قیاس با سال 77 که جنسیت مونث برابر با 49951 بوده کاهش 1159 نفری را داشته است. حال که نگاهی مقایسه گونه از سال 77 به سال 87 بیندازیم خواهیم دریافت که تعداد زن و مرد در سال 77 برابر بود با 106606 که از این تعداد 56655 نفر جنسیت مذکر داشته اند و تعداد 4451 نفر دیگر جنسیت مونث داشته اند اما در سال 87 تعداد مرد و زن برابر با 83739 نفر بوده است که از این تعداد 44346 نفر جنسیت مذکر و تعداد 39393 نفر جنسیت مونث دارا هستند که با نگاهی کلی در می یابیم که جنسیت مذکر از سال 87 تا سال 88 12309 نفر کاهش داشته است و در مقابل تعداد جنسیت مونث نیز 10558 نفر کاهش تعداد داشته است. همچنین طبق جدول شماره 2 که نشان دهنده سن و جنسیت در دوره قشلاقی می باشد نشان می دهد در سال 1366 تعداد مرد و زن که برابر با 78149 نفر می باشد که از این تعداد 41483 نفر دارای جنسیت مذکر و 36814 نفر دارای جنسیت مونث هستند که این آمار در مقایسه با سال 1377 نشان می دهد تعداد مرد و زن که برابر با 76167 نفر است کاهش 1982 نفری داشته است که از این بین تعداد جنسیت مذکر از سال 66 که برابر با 41483 بوده است در سال 77 که برابر با 40357 شده که این موضوع نشان می دهد جنسیت مذکر کاهش 1126 نفری داشته و جنسیت مونث نیز در سال 66 که برابر با 36814 بوده در قیاس با سال 77 که جنسیت مونث برابر با 35810 بوده کاهش 1004 نفری را داشته است. حال که نگاهی مقایسه گونه از سال 77 به سال 87 بیندازیم خواهیم دریافت که تعداد زن و مرد در سال 77 برابر بود با 76167 که از این تعداد 40357 نفر جنسیت مذکر داشته اند و تعداد 35810 نفر دیگر جنسیت مونث داشته اند اما در سال 87 تعداد مرد و زن برابر با 63891 نفر بوده است که از این تعداد 30787 نفر جنسیت مذکر و تعداد 30304 نفر جنسیت مونث دارا هستند که با نگاهی کلی در می

یابیم که جنسیت مذکر از سال 87 تا سال 88 9570 نفر کاهش داشته است و در مقابل تعداد جنسیت مونث نیز 5506 نفر کاهش تعداد داشته است.

جمعیت های انسانی از دو جنس زن (مونث) و مرد (مذکر) تشکیل شده است. هدف از مطالعه توزیع جمعیت بر حسب جنس عبارتست از شناخت تعداد زنان و مردان و نسبت موجود بین آنها. نسبت جنسی یعنی تعداد مردان در برابر تعداد زنان را مشخص می نماید و همچنین می توان بر حسب سن و یا گروه های سنی نیز محاسبه نمود بطوری که تعداد مردان به تعداد زنان عشایر استان می تواند نسبت جنسی روستاییان را محاسبه نمود. بنابراین می توان گفت به دلیل مهاجرت های روستایی به سوی شهرها نسبت جنسی در مناطق شهری و روستایی متفاوت می باشد زیرا مهاجرین روستایی بیشتر از مردان مجرد تشکیل شده اند. همچنین می توان گفت تولد دختر یا پسر جنبه مورثی دارد و اختلاف سنی زیاد بین زن و مرد موجب بالا رفتن تعداد نوزادان با جنسیت پسر می شود.

یعنی هر اندازه اختلاف سنی زن و شوهر زیاد باشد نسبت پسرزایی (جنسیت مذکر) به میزان قابل ملاحظه ای بالا خواهد رفت. با اندکی دقت در ارقام سرشماری سه دهه 66، 77 و 87 در می یابیم نسبت جنسی عشایر استان حکایت از برتری عددی مردان در برابر زنان دارد هر چند که علل افزایش تعداد مردان را بر تعداد زنان به طور قطعی و علمی نمی توان تفسیر نمود ولی با این وجو نکات زیر را در این زمینه می توان بیان کرد:

- اولین موضوعی که به طور طبیعی به نظر می آید این است که صحت و درستی ارقام و آمارهای موجود را مورد شک و تردید قرار دهیم. زیرا در روستاهایی که تعداد بی سوادان رقم قابل ملاحظه ای را نشان می دهد و میزان روستا نشینی نیز در سطح بالایی قرار دارد، آمارهای مربوط به پدیده های جمعیتی کنترل ناپذیر بوده و در پاره ای موارد مقرون به حقیقت نمی باشد.
- در روستاهای فقیر نشین که با مسئله گرسنگی مزمن، بیسوادی، و بهداشت نامناسب و بسیاری از مشکلات دیگر مواجه می باشند، میزان مرگ و میر زنان مخصوصاً در هنگام بارداری و زایمان قابل ملاحظه است.

نتیجه گیری سوال دوم تحقیق

طبق جدول شماره 3 که نشان دهنده صنایع دستی در دوره بیلاقی می باشد نشان می دهد در سال 1366 تعداد کل خانواری که از صنایع دستی استفاده می کنند برابر با 17186 نفر می باشند که در مقایسه با سال 1377 که تعداد کل خانوار آن سال برابر با 15933 نفر است کاهش 1253 نفری داشته است در مقایسه تعداد خانوار سال 77 نسبت به سال 87 مقدار 1295 نفر کاهش داشته است. همچنین مقدار تولید، مقدار فروش و مقدار مصرف خانوار صنایع دستی از سال 66 تا سال 77 کاهش داشته است بصورتی که بترتیب مقدار کاهش 1973 و 178 و 1795 بوده است همچنین در مقایسه صنایع دستی سال 77 تا سال 87 در می یابیم که رشد چشم گیری در تولید، فروش و مصرفی خانوار داشته است بصورتی که مقدار تولید، مقدار فروش و مقدار مصرفی خانوار در سال 77 تا سال 88 بترتیب 50002 و 1338 و 48664 صنایع دستی در دوره قشلاقی افزایش داشته است. همچنین طبق جدول شماره 4 که نشان دهنده صنایع دستی در دوره قشلاقی می باشد نشان می دهد در سال 1366 تعداد کل خانواری که از صنایع دستی استفاده می کنند برابر با 12461 نفر می باشند که در مقایسه با سال 1377 که تعداد کل خانوار آن سال برابر با 11351 نفر است کاهش 1110 نفری داشته است. در مقایسه تعداد خانوار سال 77 نسبت به سال 87 مقدار 151 نفر کاهش یافته است. همچنین مقدار تولید، مقدار فروش و مقدار مصرف خانوار صنایع دستی از سال 66 تا سال 77 کاهش داشته است بصورتی که بترتیب مقدار کاهش 1605 و 127 و 1478 بوده است همچنین در مقایسه صنایع دستی سال 77 تا سال 87 در می یابیم که رشد چشم گیری در تولید، فروش و مصرفی خانوار داشته است بصورتی که مقدار تولید، مقدار فروش و مقدار مصرفی خانوار در سال 77 تا سال 88 بترتیب 38568 و 1211 و 37357 صنایع دستی در دوره قشلاقی افزایش داشته است.

صنایع دستی هر قوم و ملتی، معرف ذوق و خلاقیت های آنان در پاسخ به ضرورت های مادی و معنوی در مرحله مشخصی از گسترش تاریخی است. انسان ها با توجه به خصوصیات فردی و نوع نیازهایشان، همواره در ستیزی دائمی با طبیعت به سر برده و با به فعلیت در آوردن ذوق و اندیشه و احساس، درصدد تغییر دادن و تصرف در ساخت طبیعت برآمده اند تا به جبران کمبودها و هر آنچه که هستی آنها را از داشتنش محروم کرده دست یابند.

صنایع دستی تجلی ویژگی های فرهنگی و مظهری تمدن انسان های هر جامعه در گذر تاریخ است. در استان لرستان صنایع دستی ثمره دست هایی است که عشق را از قلب خود جاری ساخته و با انگشتان خود با یاری تار و پود بر گلیم و جاجیم ترسیم کرده و یا با تلنگرهای چکش آن را حک می

کنند. صنایع دستی لرستان در سه نوع متمایز عشایری، روستایی و شهری شکل گرفته اند. بیشتر تولیدات صنایع دستی عشایری به مصرف خانوار می رسند و کمتر به بازار عرضه می شوند. انواع صنایع دستی عشایر استان لرستان عبارت اند از: سیاه چادر، چیت، قالی و گلیم. صنایع دستی روستایی را قالی، گلیم، رنگرزی و جاجیم بافی تشکیل می دهند و عمده صنایع دستی شهری نیز خراطی، نمبافی، قلم زنی، ورشوسازی، قالی، موج و گلیم بافی هستند. بنابراین می توان گفت یکی از راه های احیا صنایع دستی استان هایی نظیر لرستان یافتن بازار فروش است.

نتیجه گیری سوال سوم تحقیق

طبق جدول شماره 5 که نشان دهنده وضعیت دامداری در دوره بیلاقی می باشد نشان می دهد در سال 1366 مجموع دامداری عشایر برابر با 1659877 راس دام بوده است که این تعداد در مقایسه با سال 1377 که برابر با 1559524 راس دام بوده کاهش 100353 راس در دوره بیلاقی می باشد. در مقایسه تعداد دام در سال 77 که همانطور که گفته شد برابر با 1559524 راس دام تا سال 87 که برابر با 1552444 راس دام بوده است کاهش 7080 راس در دوره بیلاقی می باشد. همچنین وضعیت دامداری در دوره قشلاقی نشان می دهد در سال 1366 مجموع دامداری عشایر برابر با 966360 راس دام بوده است که این تعداد در مقایسه با سال 1377 که برابر با 1044349 راس دام بوده افزایش 77989 راس در دوره قشلاقی می باشد. در مقایسه تعداد دام در سال 77 که همانطور که گفته شد برابر با 1044349 راس دام تا سال 87 که برابر با 1179432 راس دام بوده است افزایش 135083 راس در دوره قشلاقی می باشد.

دامداری یکی از ارکان مهم اقتصادی روستا و همچنین استان لرستان میباشد. پرورش گوسفند در این استان نه تنها در اقتصاد منطقه، بلکه در اقتصاد کشور نقش عمده ای دارد. دامداری در بین عشایر از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده است اهالی آن ها در پرورش و تربیت گوسفند نقش اساسی به عهده دارند علاوه بر پرورش گوسفند، پرورش بز، گاو و ... نیز در استان لرستان صورت می گیرد. پرورش

طیور نیز یکی از منابع اقتصادی خانواده‌ها در روستای استان محسوب می شده است. گله های گوسفند در فصول مختلف توسط چوپانان و گله داران برای چرا به ییلاق و قشلاق می رفته اند. استان لرستان به دلیل موقعیت خاص اقلیمی و برخورداری از میزان قابل توجه بارندگی، چشمه سارها، مراتع طبیعی و پوشش گیاهی که از دیرباز داشته، مرکز پرورش دام و دامداری بوده و یکی از مراکز مهم دامداری کشور به شمار می رود نگهداری و پرورش دام در سطح استان به طریق سنتی و به علت دو ناحیه سردسیر و گرمسیر به صورت ییلاق و قشلاق انجام می گیرد و از دیرباز دامداری در این منطقه بر کشاورزی غلبه داشته است. مدت اقامت عشایر دامدار در نقاط گرمسیری بر حسب عوامل جوی و میزان بارش و مقدار علوفه مراتع بستگی دارد، ولی بطور متوسط طول مدت اقامت در گرمسیر حدود پنج ماه است. بیشتر جمعیت دام والدی که در سطح عشایر وجود دارد، جمعیت دام سبک است، بطوری که نزدیک به 100 درصد این جمعیت دام سبک به صورت سنتی نگهداری می شود و چرای این جمعیت دام نیز آزاد است. به دلیل شرایط آب و هوایی، مراتعی با عدم پوشش گیاهی وجود دارد و این، برای دامها یک مشکل جدی است. این جمعیت دامی با مدیریت های مختلف با چرای آزاد در مراتع بدون پوشش گیاهی نگهداری می شوند که مسائل بهداشتی نیز به درستی پیگیری نمی شود. بنابراین مهم ترین معضل در بحث دام سبک در عشایر استان، سنتی بودن دامداری است.

همچنین می توان گفت عواملی که در تعیین تعداد دامها موثر می باشند عبارتند از :

- اجرای قانون اصلاحات اراضی و به هم ریختن نظام کوچروی و محدودیت کوچ و استفاده از علوفه وارداتی.
- تقلیل مساحت مراتع و گسترش زراعت در مناطق مرتعی توسط عشایر ساکن و روستاییان.
- اسکان عشایر به منظور استفاده از قانون مذکور (صاحب نسق شدن) و شخم مراتع و شروع کشاورزی در زمین های مرتعی.
- تصرف ایل راهها و مراتع بین راهی توسط کشاورزان خرده پا و روی آوردن عشایر به روستاها، مزارع صنعتی و کارخانجات.
- تفرق عشایر در ییلاقات و قشلاقات و عدم امکان حرکت آنان به دلیل از دست دادن نسق مراتع ییلاقی یا قشلاقی.

همچنین می توان گفت افزایش و یا کاهش تعداد دام در روستاهای استان لرستان بدلیل موارد زیر می باشد :

- ✓ ثابت ماندن قیمت محصولات دامی و ورود دامی التزاید مواد لبنی و گوشتی از خارج کشور و تراکم دام در دست عشایر.
- ✓ وجود نزولات جوی و اقلیم مناسب در مناطق بیلاقی و قشلاقی و افزایش و یا کاهش زاد و ولد دامها.
- ✓ افزایش نسبی قیمت محصولات دامی ناشی از عدم استقبال مردم در جهت مصرف گوشت‌های وارداتی.

نتیجه گیری سوال چهارم تحقیق

طبق جدول شماره 6 که نشان دهنده مساحت اراضی می باشد نشان می دهد در سال 1366 مجموع مساحت اراضی عشایر برابر با 58767 متر مربع است در مقایسه با مجموع مساحت اراضی عشایر در سال 1377 که برابر با 47464 متر مربع است کاهش مساحت برابر با 11303 متر مربع می باشد همچنین با مقایسه مساحت اراضی کشاورزی سال 77 تا سال 87 که برابر با 85766 متر مربع می باشد افزایشی برابر با 38302 متر مربع خواهیم داشت. همچنین کل زمین های کشاورزی از نوع آبی در سال 66 برابر با 10359 متر مربع و کل زمین های کشاورزی از نوع دیم در سال 66 برابر با 48408 متر مربع می باشد که در مقایسه با زمین های کشاورزی از نوع آبی در سال 77 که برابر با 11578 و زمین های از نوع دیم در همین سال که برابر با 35886 متر مربع می باشند در یک مقیاسه بین سال های 66 تا 77 درمیابیم که زمین های آبی و دیم بترتیب 1219 متر مربع افزایش و 12522 متر مربع کاهش یافته است. همچنین مساحت کل اراضی از نوع آبی و دیم در سال 87 بترتیب برابر با 14256 و 71510 متر مربع است که در مقایسه زمین های کشاورزی سال 77 تا سال 87 در می یابیم زمین های آبی و دیم به ترتیب 2678 و 35624 متر مربع افزایش یافته است.

در کاربری زمین در مناطق روستایی دو عامل اساسی شامل عامل طبیعی (قابلیت اراضی زراعی) و عامل انسانی (جمعیت) تعیین کننده میزان و نوع کاربری های مختلف می باشد. طی سال های اخیر فعالیت های انسان به عنوان مهمترین عامل تغییرات در الگوی کاربری زمین شناخته شده است از جمله عوامل تاثیر گذار در بحث اراضی زراعی می توان نام برد عبارت اند از نامشخص بودن مدیریت اراضی خارج از خط محدوده و واقع در حریم روستاها، تخلفات ساخت و ساز و ساختمانی، عدم تحقق پذیری و ناکارآمدی طرح های هادی روستایی و عدم اجرای قوانین و مقررات کاربری اراضی

به ویژه در بخش کشاورزی و مزروعی می باشند. همچنین پایین رفتن سطح آب های زیرزمینی و مشکلات قانونی برای لایروبی و حفر چاه، کم بازدهی محصولات کشاورزی و آفت های جدید و ناشناخته، تبدیل باغات به کاربری های مسکونی و خدماتی خصوصاً در روستاهای که در شهرستان تفت جاذبه گردشگری دارند، تغییر کاربری اراضی باغات اغلب به شکل خانه باغ و صرفاً جهت خوش نشینی برخی اشخاص و خردشدن زمین، براساس قوانین مربوط به ارث می تواند از مهمترین عوامل تغییر مساحت و تغییر کاربری زمین های کشاورزی در عشایر استان اشاره نمود.

نتیجه گیری سوال پنجم تحقیق

طبق جدول شماره 7 که نشان دهنده تعداد خانوار ایلها و طایفه های مستقل استان در دوره بیلاقی می باشد نشان می دهد در سال 1366 مجموع تعداد خانوار ایلها و طایفه های مستقل استان برابر با 17176 بوده است که این تعداد در مقایسه با تعداد خانوار ایلها و طایفه های مستقل استان سال 1377 که برابر با 15923 بوده کاهش تعداد 1253 در دوره بیلاقی می باشد. در مقایسه تعداد خانوار ایلها و طایفه های مستقل استان در سال 77 که همانطور که گفته شد برابر با 15923 بوده تا سال 87 که تعداد خانوار ایلها و طایفه های مستقل استان برابر با 14601 بوده است کاهش 1322 در دوره بیلاقی می باشد. همچنین طبق نتایج جدول شماره 7 که نشان می دهد در سال 1366 مجموع تعداد خانوار ایلها و طایفه های مستقل استان در دوره قشلاقی برابر با 12461 بوده است که این تعداد در مقایسه با تعداد خانوار ایلها و طایفه های مستقل استان سال 1377 که برابر با 16771 بوده افزایش تعداد 4310 در دوره قشلاقی می باشد. در مقایسه تعداد خانوار ایلها و طایفه های مستقل استان در سال 77 که همانطور که گفته شد برابر با 16771 بوده تا سال 87 که تعداد خانوار ایلها و طایفه های مستقل استان برابر با 11460 بوده است کاهش 5311 در دوره قشلاقی می باشد.

در گذشته، داشتن فرزندان زیاد برای اداره مزرعه خانوادگی، یک نعمت اقتصادی محسوب می شد و از این رو خانواده هایی که صاحب فرزندان بیشتری (به ویژه فرزندان پسر) بودند، از نیروی کار و قدرت بیشتری نیز برخوردار می شدند و متعاقب آن به امنیت اقتصادی و سیاسی بالاتری نیز دست می یافتند اما امروزه با رشد شهرنشینی و انتقال جمعیت از جامعه روستایی و کشاورزی به یک جامعه شهری، نه تنها تامین اقتصادی با داشتن فرزندان بیشتر و خانواده های گسترده (شامل پدربزرگ، مادر بزرگ و ...) مشکل تر شده است، بلکه ضریب مطلوبیت آنها نیز در تابع رفاه نان آوران خانواده (پدر و مادر) کمتر

شده است. بنابراین با این مفهوم، افراد ضریب مطلوبیت بیشتری به رفاه خودشان می‌دهند و بر این باورند که با کاهش بار تکفل می‌توانند به سطح رفاه بالاتری دست یابند. امروزه عواملی چون شهرنشینی و متعاقب آن تغییر الگوی زندگی (برای مثال تغییر الگوی مسکن از واحدهای مسکونی گسترده به آپارتمان‌نشینی)، فردگرایانه، کم‌رنگ شدن کار ویژه سنتی پدربزرگ‌ها، مادربزرگ‌ها و سایر بستگان نسبی در خانواده، قدرت اقتصادی پایین خانواده و ریسک ناشی از بار تکفل بیشتر و . . . ، موجب هسته‌ای شدن خانواده و کاهش تعداد خانوار در کشور شده است. در حال حاضر وقوع خشکسالی‌های متوالی در سال‌های اخیر در منطقه قشلاق عشایر کاهش تولید علوفه مراتع و محدودیت تولیدات دامی خانوارهای عشایری را موجب شده است که منطقه قشلاق و ییلاق تحت حاکمیت سیاسی استان قرار گیرد که همین مسئله برای خانوارهای عشایر طایفه‌ها در منطقه ییلاق واقع در محدوده استان مشکلات زیادی را ایجاد کرده است، به گونه‌ای که به رغم حق عرفی و قانونی آنها در بهره برداری از مراتع ییلاقی، هنگام بهره برداری از اینگونه مراتع، با ممانعت اهالی مناطق یاد شده رو به رو می‌شوند. بدین ترتیب، این مجموعه عوامل زندگی خانوارها، طایفه‌ها و ایل‌ها را در معرض تهدید قرار داده است.

نتیجه گیری سوال ششم تحقیق

طبق جدول شماره 8 که نشان دهنده وضعیت زناشویی در دوره ییلاقی می‌باشد نشان می‌دهد در سال 1366 بترتیب مردان و زنان دارای همسر، بی همسر بر اثر فوت همسر یا طلاق، هرگز ازدواج نکرده و اظهار نشده برابر با 56/97 درصد، 3/00 درصد، 37/82 درصد و 2/18 درصد بوده است در مقایسه با سال 1377 که بترتیب مردان و زنان دارای همسر، بی همسر بر اثر فوت همسر یا طلاق، هرگز ازدواج نکرده و اظهار نشده 45/70 درصد، 2/54 درصد، 51/38 درصد و 0/39 درصد بوده می‌توان به این نتیجه رسید که وضعیت زناشویی از سال 66 تا 77 برابر با دارای همسر 11/27 درصد کاهش، بی همسر بر اثر فوت همسر یا طلاق 0/46 درصد کاهش، هرگز ازدواج نکرده 13/53 درصد افزایش و اظهار نشده 1/79 درصد کاهش داشته است. همچنین در مقایسه وضعیت زناشویی در سال 1387 که بترتیب مردان و زنان دارای همسر، بی همسر بر اثر فوت همسر یا طلاق، هرگز ازدواج نکرده و اظهار نشده برابر با 45/70 درصد، 2/18 درصد، 51/71 درصد و 0/31 درصد بوده است که در مقایسه سال 77 با سال 87 در می‌یابیم که بترتیب دارای همسر با 45/70 درصد بدون تغییر، بی

همسر بر اثر فوت همسر یا طلاق 0/36 درصد کاهش، هرگز ازدواج نکرده 0/33 درصد افزایش و اظهار نشده 0/08 درصد در دوره بیلاقی کاهش داشته است.

همچنین طبق جدول شماره 8 که نشان دهنده وضعیت زناشویی در دوره قشلاقی می باشد نشان می دهد در سال 1366 بترتیب مردان و زنان دارای همسر، بی همسر بر اثر فوت همسر یا طلاق، هرگز ازدواج نکرده و اظهار نشده برابر با 56/59 درصد، 3/02 درصد، 38/12 درصد و 2/26 درصد بوده است در مقایسه با سال 1377 که بترتیب مردان و زنان دارای همسر، بی همسر بر اثر فوت همسر یا طلاق، هرگز ازدواج نکرده و اظهار نشده 45/61 درصد، 2/59 درصد، 51/42 درصد و 0/38 درصد بوده می توان به این نتیجه رسید که وضعیت زناشویی از سال 66 تا 77 برابر با دارای همسر 10/98 درصد کاهش، بی همسر بر اثر فوت همسر یا طلاق 0/43 درصد کاهش، هرگز ازدواج نکرده 13/3 درصد افزایش و اظهار نشده 1/88 درصد کاهش داشته است. همچنین در مقایسه وضعیت زناشویی در سال 1387 که بترتیب مردان و زنان دارای همسر، بی همسر بر اثر فوت همسر یا طلاق، هرگز ازدواج نکرده و اظهار نشده برابر با 46/00 درصد، 2/46 درصد، 51/19 درصد و 0/35 درصد بوده است که در مقایسه سال 77 با سال 87 در می یابیم که بترتیب دارای همسر با 0/39 درصد افزایش، بی همسر بر اثر فوت همسر یا طلاق 0/13 درصد کاهش، هرگز ازدواج نکرده 0/23 درصد کاهش و اظهار نشده 0/03 درصد در دوره قشلاقی کاهش داشته است.

افزایش طلاق در جوامع کوچک و بهویژه روستاها دلایل متعددی دارد که یکی از مهم ترین آنها، تغییرات اجتماعی در سبک زندگی روستایی تحت تأثیر رسانه‌ها، افزایش نسبی تحصیلات در جامعه روستایی و به نوعی تلاش برای تغییر سبک زندگی در میان جوانان و جابه‌جایی ارزش‌هاست. اگرچه عوامل اقتصادی همواره به‌عنوان یکی از دلایل اصلی طلاق اعلام می‌شود اما ریشه‌های این اتفاق را باید در تغییرات سریع اجتماعی در جامعه جست‌وجو کرد: تغییرات اجتماعی در شهرهای بزرگ به دلیل فعالیت بیشتر رسانه‌ها و همچنین توجه سازمان‌ها، بیشتر رصد می‌شود در حالی که جوامع محلی کوچک از جمله روستاها هم دچار همین روند تغییرات اجتماعی هستند که کمتر دیده شده است. با نفوذی که رسانه‌های جدید و بهویژه شبکه‌های اجتماعی در جوامع کوچک دارد، سبک زندگی و به نوعی انتخاب‌های جدیدی به جامعه روستایی منتقل شده است. دانشجویانی که پس از تحصیل به روستاها باز می‌گردند، عاملی برای انتقال این سبک زندگی جدید هستند. آنچه مسأله تغییرات اجتماعی و ضرورت شناخت آن را در جامعه دو چندان می‌کند این است که همزمان با افزایش آمار

طلاق در روستاها، آمار ازدواج هم در این مناطق کاهش پیدا کرده که این موضوع به روشنی تغییرات در سبک زندگی، انتخاب‌ها و نگرش روستاییان را نشان می‌دهد. همچنین، مشکلاتی از قبیل بیکاری، اختلاف سن و تفاوت سطح تحصیلات، اعتیاد و عدم تمکین را از جمله دلایل مطرح در طلاق روستایی می‌باشد و متأسفانه با وجود همه طرح‌ها و برنامه‌هایی که دولت‌ها روی کاغذ دارند ازدواج و طلاق در کشور متولی ندارد. اما موضوع ازدواج و طلاق روستایی علاوه بر مشکلاتی که در همین مقوله در شهر وجود دارد دچار بی‌توجهی بیشتری است.

مسئله بعدی مهاجرت روستاییان به شهرها می‌باشد که افزایش آمار طلاق در روستاها در صورتی اعلام شده که هر روز روستاییان بیشتری به شهرها مهاجرت می‌کنند و جمعیت روستاها کمتر می‌شود همین امر حساسیت موضوع را بیشتر می‌کند چون در جمعیت کمتر، طلاق بیشتری واقع شده است. گذشته از عوامل یاد شده، به موضوع چشم و هم‌چشمی در روستاها می‌توان اشاره کرد و گفت: چشم و هم‌چشمی در شهرها هم وجود دارد اما در روستاها چون جمعیت کمتر است و همه افراد همدیگر را می‌شناسند و از خانه و زندگی یکدیگر خبر دارند پدیده چشم و هم‌چشمی را بیشتر شاهدیم. این امر در غفلت مسئولان و در خلاء فرهنگ‌سازی برای ایمن ماندن از آن در میان روستاییان رواج یافته است.

نتیجه گیری سوال هفتم تحقیق

طبق جدول شماره 9 که نشان دهنده وضعیت جمعیت عشایر استان در دوره بیلاقی می‌باشد نشان می‌دهد در سال 1366 کل جمعیت استان برابر با 109136 بوده است که این تعداد در مقایسه با جمعیت استان سال 1377 که برابر با 106606 بوده کاهش تعداد 2530 در دوره بیلاقی می‌باشد. در مقایسه جمعیت استان در سال 77 که همانطور که گفته شد برابر با 106606 بوده تا سال 87 که جمعیت استان برابر با 83739 بوده است کاهش 22867 در دوره بیلاقی می‌باشد. همچنین طبق نتایج جدول شماره 9 که نشان می‌دهد در سال 1366 وضعیت جمعیت استان در دوره قشلاقی برابر با 78299 بوده است که این تعداد در مقایسه با جمعیت استان سال 1377 که برابر با 76167 بوده کاهش تعداد 2132 در دوره قشلاقی می‌باشد. در مقایسه تعداد جمعیت استان در سال 77 که همانطور که گفته شد برابر با 76167 بوده تا سال 87 که تعداد جمعیت استان برابر با 63791 بوده است کاهش 12376 در دوره قشلاقی می‌باشد.

نکته‌ای که می‌توان به آن اشاره کرد این است که هر چند رشد مثبت شهرها کُند شده، ولی همواره این رشد مثبت ادامه خواهد داشت، اما از طرف دیگر رشد جمعیت روستایی هم به خاطر تحولاتی که صورت گرفته و به رشد منفی رسیده، آن رشد کاهشی هم کُند خواهد شد. به عبارتی دیگر، در دهه‌های آینده رشد هر دو جمعیت (روستایی و شهری) با مقدار اندکی ادامه خواهد یافت. مثلاً رشد جمعیت شهری الان 2 و 1 درصد است که ناشی از چهار عامل می‌شود؛ نخست، رشد طبیعی جمعیت که از اختلاف میزان مولید و میزان مرگ و میر به دست می‌آید. دوم، بخشی از رشد جمعیت شهری ناشی از مهاجرت روستا به شهر است. سوم، تبدیل نقاط روستایی به شهری به کاهش جمعیت روستایی و افزودن آن به جمعیت شهری منجر می‌شود. همچنین از جمله ضروت ادامه تحصیل را برای فرزندان خانواده‌های روستایی ایجاد کرد و به دنبال آن سیل عظیمی از جوانان به سمت شهرها مهاجرت کردند مثلاً، افزایش جمعیت یک روستا به 10 هزار یا بر اثر شرایط خاص ممکن است روستایی به شهر تبدیل شود و چهارم اینکه پیوستن نقاط روستایی به شهرهاست. وقتی شهرها بی‌رویه بزرگ شوند و به جلو بروند روستاهای نزدیک خود را می‌بلعند. با توجه به این شرایط، امکان دارد که جمعیت روستایی بیشتر از این هم رشد منفی داشته باشد و زمانی به حدود 20 درصد از جمعیت کل برسد.

با این حال، زمان رسیدن جمعیت روستایی به این حد مشخص نیست و بستگی به سیاست‌های توسعه روستایی و حفظ و ماندگاری جمعیت در روستاها یا تشویق و تسهیل بازگشت به نقاط روستایی دارد.

بنابراین می‌توان گفت تغییر و تحولات جمعیت عشایر به دلایل زیر می‌باشد.

- مهاجرت عشایر به شهرها و روستاهای اطراف به منظور تحصیل خانواده.
- تغییر شغل عشایر از دامداری و عشایری به مشاغل خدماتی و صنعتی.
- برآورده نشدن انتظارات جوانان از زندگی عشایری و جستجوی آن در مناطق شهری و روستایی.
- جنگ‌های طایفه‌ای که منجر به ترک زندگی کوچروی می‌شود.
- تغییرات شرایط آب و هوایی و بروز خشکسالی‌ها که منجر به دست کشیدن از زندگب کوچروی و تغییر شیوه معیشت آنان می‌گردد.

جهت تدوین یک زیربنای علمی و منطقی برای سیاست‌گذاری توسعه، لازم است ارزیابی جامعی پیرامون وضعیت موجود پتانسیل‌ها و فرصت‌های سرمایه‌گذاری در مناطق روستایی و عشایری از نظر شاخص‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و محیطی صورت پذیرد. براین اساس پیشنهاد می‌شود در راستای ارتقاء سطح زندگی و تأمین رفاه اقتصادی عشایر، متنوع کردن فعالیت‌های اقتصادی در جامعه عشایر، بهره‌گیری از فناوری مناسب، دسترسی به خدمات مورد نیاز زندگی، ایجاد دهواره‌های عشایری بر پایه کشاورزی، دامپروری و صنایع، ایجاد اشتغال پایدار، بهره‌مندی عشایر از شاخص‌های توسعه و مشارکت عشایر در توسعه پایدار صورت پذیرد.

منابع و مآخذ

۱. امان‌اللهی بهاروند، سکندر (1392) کوچ‌نشینی در ایران، پژوهشی درباره عشایر و ایلات، شیراز: انتشارات آگاه.
۲. انصاری، وحید؛ حیدری، قدرت‌اله؛ مجاوربان، سیدمجتبی و رستگار، شفق (1398). اثر توسعه گردشگری عشایری بر شاخص‌های معیشت پایدار مرتعداران (مطالعه موردی: مناطق عشایری لار، البرز مرکزی)، فصلنامه مرتع، سال 13، شماره دوم، صص 294-305.
۳. بخشنده نصرت، عباس (1370) برنامه ریزی توسعه زندگی عشایر از دیدگاه فضایی، فصلنامه عشایری ذخائر انقلاب، ویژه‌نامه کنفرانس بین‌المللی عشایر و توسعه، شماره 19، صص 127 - 125.
۴. بیرانوندزاده، مریم و شرفی، سیامک و درویشی، هدایت‌اله و احمدی مطلق، صمد (1396). بررسی قابلیت‌های سرمایه‌گذاری در مناطق روستایی و عشایری استان لرستان، یازدهمین کنگره ملی پیشگامان پیشرفت، تهران، <https://civilica.com/doc/742122>
۵. خاکی پور، لیلا؛ بارانی، حسین؛ عابدی سروستانی، احمد و غلامرضایی، سعید (1397). تحلیلی بر نقش آفرینی زنان در مدیریت مراتع عشایری (مطالعه موردی: سامان‌های عرفی منطقه شول آباد لرستان)، تحقیقات مرتع و بیابان ایران، دوره 25، شماره چهارم، صص 805-816.
۶. دهقانیان، سیاوش و محمدرضا کهنسال (1379)، بررسی اقتصاد تولید عشایر خراسان، فصلنامه اقتصادکشاورزی و توسعه، سال هشتم، شماره 29، صص 75-106.
۷. اداره کل امور عشایر (1377)، اجمالی از عملکرد بیست سال تلاش و سازندگی، وزارت جهاد سازندگی.
۸. سازمان امور عشایر ایران 1395.
۹. سازمان مدیریت و امور برنامه ریزی استان لرستان، 1394.
۱۰. ضیاء توانا، محمدحسین و توکلی، جعفر (1386). اسکان عشایر و تخریب مراتع در استان چهارمحال و بختیاری: مطالعه موردی شهرک‌های عشایری شرمک، چلگرد و لستر، فصلنامه روستا و توسعه، سال 10، شماره دوم، صص 31-61.
۱۱. ضیائی، محمود؛ فقیه‌ی، ابوالحسن؛ جمعه پور، محمود؛ شکاری، فاطمه (1396). تدوین چارچوبی برای تاب‌آوری معیشت عشایر کوچنده (مورد مطالعه: ایل قشقایی)، فصلنامه علوم مدیریت ایران، سال دوازدهم، شماره 47، صص 3-56.
۱۲. کرمی، حمیدرضا و دریکوندی، فیروز (1395). بررسی اثرات اقتصادی-اجتماعی اسکان عشایر بر خانوارهای اسکان یافته در استان لرستان، روستا و توسعه؛ دوره 19، شماره سوم، صص 1-24.

۱۳. کمالی، محمد شریف (1366)، ترکمن‌های ایرانی؛ مجموعه مقالات مردم شناسی، جلد سوم، تهران، انتشارات مرکز مردم شناسی سازمان میراث فرهنگی.
۱۴. کیاوند، عزیز (1370)، تغییر بجاى کوچ، تحول بجاى اسکان، مجموعه مقالات سمینار استراتژی توسعه زندگی عشایر، شیراز، سازمان امور عشایر ایران.
۱۵. مرکز آمار ایران (1366). سرشماری عشایر کوچنده ایران.
۱۶. مرکز آمار ایران (1377). سرشماری عشایر کوچنده ایران.
۱۷. مرکز آمار ایران (1387). سرشماری عشایر کوچنده ایران.
18. Annamoradnejad, R. B and Lotfi, S (2010): Demographic changes of Nomadic Communities in Iran (1956-2008), Asian population studies ,Routledge, (6) 3, 335-345.
19. Mocellin, J. and Foggin, P. (2008). Health Status and Geographic Mobility among Semi-nomadic Pastoralists in Mongolia, Health & Place, 14(2):228-42.
20. Ptackova, J. (2011). Sedentarisation of Tibetan nomads in China: Implementation of the Nomadic settlement project in the Tibetan Amdo area; Qinghai and Sichuan Provinces, Research, Policy and Practice, 1, 4. doi.org/10.1186/2041-7136-1-4.
21. Rampini, Costanza. (2016). Impacts of hydropower development along the Brahmaputra River in Northeast India on the resilience of downstream communities to climate change impacts. University of California, Santa Cruz.

Study and Analysis of the Situation of Tribes and Nomads in Lorestan Province during 1987 To 2008

Mahnaz Dricvandi¹, Ali Moradi²

Abstract

The main objective of this research is Study and analysis of the situation of tribes and nomads in Lorestan province during 1987 to 2008. In other words, in this research, we try to answer this question: What is the status of the tribes of Lorestan province in the three decades of 1987, 1998 and 2008? To answer the main question, according to the censuses on nomads during the years 1987 to 2008, variables such as the status of the age and gender of the tribes, the handicrafts situation, the livestock situation, the state of agriculture and gardening, the number of families of tribes and tribes Their independent status, marital status, and nomadic population of the province were studied. The study method in this study is a type of secondary study, in which the required data is already collected and available. The statistical population of this study is data obtained from general census of tribes of Lorestan province which were collected during the years 1987 to 2008. The research findings show that the handicrafts of the nomads of Lorestan are on the upward trend in the dimension of production and sale, and this trend is visible from 1987 to 2008 years. In the field of livestock breeding situation, the livestock has fallen in the dormancy period and has risen in the honeymoon period. Also, the agricultural and horticultural variable has declined due to land area and dry land, and the number of households in the elk and clan is decreasing in the dormancy period and in the ascending course of livestock And the marital status variable also has the highest number of

¹ - Graduate M.A of Sociology Dep., Eslam Abade-e-Gharb Branch, Islamic Azad University, Eslam Abade-e-Gharb. Iran.

² - Accssociate Proffessor of Sociology Dep., Eslam Abade-e-Gharb Branch, Islamic Azad University, Eslam Abade-e-Gharb. Iran.(Corresponding Author). moradi.pop@gmail.com

spouses in the spouse's later life. The findings also show that the nomadic population of the province has been decreasing over these three decades.

Keywords: Tribes, Handicrafts, Livestock, Agriculture and Horticulture, Marriage, Population.